

سبک نمایش: کمدی فانتری سورئال

ادم های نمایش:

1. دانشمند امریکایی "چاق و ثروتمند و خسیس"

2. خدمتکار "خانم ماریا پاترونی اصالتا ایتالیایی"

3. دانشمند چینی "اسمش ها اون چو به یک کمونیست شلخته"

4. ویروس کرونا "مرد"

5. ویروس سارس "خانم"

6. ویروس ایدز "مرد"

7. ویروس مرس "خانم"

8. سلول خاطره یا لنفوسیت "متعلق به سیستم ایمنی بدن دانشمندی که کرونا گرفته"

خلاصه داستان:

دو دانشمند امریکایی و چینی در یک آزمایشگاه بیولوژیکی درب و داغون که معلوم نیست در کجا دهکده جهانی قرار دارد سال هاست در کنار هم زندگی می کنند. این دو دانشمند با این که باهم دوست و همسایه هستن ولی گهگاهی باهم جروبحث میکنند دانشمند امریکایی پیرمردی چاق و خسیس هست که صندوقچه پراز پول و جواهرات گرانبها داره، همچنین در این صندوقچه اطلاعات جاسوسی و امنیتی زیادی از جمله نامه های عاشقونه که یادگار شکست های عشقی دوران جوانی او بوده وجود داره بنابراین این صندوقچه تمام داری این دانشمنده و مجبوره این صندوقچه را هر جا که میره با خودش ببره اما دانشمند چینی که اسمش ها اون چوبه هست یک کمونیسم شلخته به تمام عیاره او همیشه به دانشمند و ثروت دوست

امریکایی خودش حسادت میکند و به چشم رقیب به اونها نگاه میکند، دائما به دنبال این فرصته که این صندوقچه پر از ثروت را از او بدزده، رقابت و اختلاف و دعوا ان ها درست از زمان دوران دانشگاهی و علمی شروع شده بود

در این میان سروکله یک خدمتکار ایتالیایی به نام ماریا پاترونی پیدا میشه، ماریا پاترونی بعد از مرگ همسرش در جنگ جهانی دوم مجبور میشه برای امرار معاش مستخدم دانشمند امریکایی بشه او با این که توخونه و سر سفره ارباب خودش غذا میخوره و با اون زندگی میکند اما دائما به فکر انتقام و بالا کشیدن ثروت ارباب خودش ماریا پاترونی خودش را طرفدار حزب باد یا کانفورمیست معرفی میکند. تا این که در یکی از روزهای ماه دسامبر زمانی که این دو دانشمند در حال تحقیق بر روی لاشه چند گربه ولگرد و خفاش مرده بودن تعداد چهار ویروس کشنده از داخل لوله قیف شیشه ای محلول آزمایشگاهی فرار میکنند و داخل کارتون های اسباب بازی قایم میشن بدون این که کسی از نقشه فرار ان ها اطلاع داشته باشه. ویروس کرونا هم بر اثر یه اتفاق مسخره و ترکیب محلولی نادرست کشنده و خطرناک میشه ویروس کرونا سعی میکنه با همکاری سه ویروس دیگر جنگی بزرگ علیه بشریت به خاطر کارهایی و آسیب های که به کره زمین و طبیعت زده به راه بندازن و ادامه ماجرا.....

بگذارید تکلیفم را با طراحی این نمایش روشن کنم صحنه بلک باکس و طراحی صحنه تلفیقی از دکور و پروژکسیون همچنین نورهای سرد و گرم است. صحنه ورودی یک آزمایشگاه بیولوژیک درب و داغون رانشون میده آزمایشگاهی که اصلا مشخص نیست که در کجا دنیا قرار گرفته شاید زیر زمین شاید هم اصلا در کره مریخ باشه در سمت چپ این آزمایشگاه صندلی های راحتی و کاناپه کهنه که فنرهای ان خراب و زنگ زده ، همچنین یک میز کوچک که بر روی ان ها وسایل آزمایشگاهی از جمله ظروف های شیشه ای مخلوط کن، قیف های شیشه ای ترکیب محلول، لوله های آزمایشگاهی، انواع ماسک های فیلتر دار، اب اکسیژنه، قیچی و سینی ها از آزمایشگاهی، یک دستگاه کامپیوتر روی میزی و دستگاه های میکروب سکویی دیده میشه در گوشه دیگر صحنه یک اسکلت آزمایشگاهی و چند جعبه بزرگ هم دیده میشه که گهگاهی ویروس ها داخل ان ها قایم میشن

همه جا تاریکی نمایش با یک فلوت زیبا و آرام بخش سرخپوستی شروع میشه کم کم نور موضعی بسیار کم صورت دو دانشمند را نشون میده که مثلا در حال آزمایش بر روی چند لاشه خفاش و موش صحرایی هستن موسیقی محومیشه و ما صدای یک گزارش خبری را میشنویم...

صدای ضبط شده - امروز ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی در ساعت هشت وسی دقیقه صبح دو دانشمند احمق در دورنمای بندرگاه و سواحل ماهیگیری جزیره ناشناخته با تعداد زیادی خفاش مرده برخورد کردن که وجود این خفاش های مرده در نظر انها عجیبه، در ساعت نه و ده دقیقه صبح کلفت خانه ماریا پاترونی از مرگ سی خفاش دیگر خبر میدهد که از مغز این خفاش های مرده خون سیاه و تفاله چای بیرون میزنه دو دانشمند چاق و لاغر اکنون در حال آزمایش بر روی چند قطعه خفاش مرده هستن تاکنون مرگ ۲۲۰ خفاش از سواحل شهر گزارش شده که تنها در یک رستوران نزدیک بندرگاه تعداد ۵۰ خفاش مرده پیدا شده مرگ خفاش ها باعث تعجب دو دانشمند شده پس از ساعت ها کار دانشمند چاق از شدت خستگی بر روی صندلی نشسته و چرت میزنه و دانشمند لاغر مثل کبوتر تیر خورده کج و کوله راه میره و با فلوت خود می نوازه « ادامه موسیقی فلوت پخش میشه و تصویری از جسد خفاش ها و سرخ کردن خفاش در ماهی تابه ها بر روی پرده پروژکتور ظاهر میشه موسیقی آرام بخش فلوت قطع میشه اکنون مادر تاریکی صدای بازجویی را میشنویم

صدای اسم؟

کرونا- «لرزش در صدا» کوئید ۱۹

صدای محل تولد؟

کرونا- «ترسیده» وو..هان..چین

صدای نام پدر؟

کرونا- کرونا...ری...ریده

صدا-چی

کرونا-کرونا وریده

صدا-جرم؟

کرونا-انسان هراسی، قتل

صدا-با انفولانزا چه نسبتی داری؟

کرونا-خوکی یا مرغی؟

صدا-مرغی!

کرونا-مرغی دختر خاله امه..

صدا-اسم

سارس- «تودماغی حرف میزنه» سارس، البته بهم میگن سارسی

صدا-ت.ت؟

سارس-تونیک زنونه تومون مردونه

صدا-احمق تونیک زنونه مردونه چیه، تاریخ تولدتو بگو؟؟

سارس- اها نوامبر ۲۰۰۱ هنگ کنگ

صدا-جرم؟

سارس-قتل ۶۸۲۵ انسان بادوگره ولگرد

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

صدا-دو گربه؟!

سارس-بله دو گربه...

صدا-باخفاش چه نسبتی داری؟

سارس-خفاش چینی یا خفاش میوه خوار

صدا-خفاش چینی...

سارس-از طریق سوپ خفاش باهاش اشناشدم چند وقت دیگه ندیدمش

صدا-اسم؟

ایدز- ایدز هستم

صدا-ش.ش؟

ایدز-شورت. شامپانزه

صدا-یابو شورت شامپانزه چیه شماره شناسنامه اتو بگو...

ایدز-اها....HIV3

صدا-جرم؟

ایدز-فساداخلاقی، توزیع سرنگ های الوده در جامعه

صدا-اسم؟

مرس-مرسی

صدا-بله!

مرس-مرس هستم یا مرسی خانم

صدا-محل تولد؟

مرس-اگوست ۲۰۱۲ عربستان سعودی

صدا-باسیاه زخم چه نسبتی داره؟

مرس-سیاه نامزدم بودبهم زدیم

صدا-جرم؟

مرس-به زور یه نفرو تو خاورمیانه کشتم سریع من لورفتم و شناسایی شدم

صدا بازجویی قطع میشه مدت زمان کوتاهی تکه هایی از یک اهنگ پخش میشه مثلا میتونه اهنگ ایتالیایی حزب باد اثر جورجیو گابریل باشه کم کم صدا اهنگ محو میشه در ادامه ماجرا ماصدای بازیگران را در تاریکی میشنویم که به نظر میرسه ویروس کرونا به خاطر تیغ های زیاد سرش داخل کیف شیشه ای محلول آزمایشگاهی گیر کرده وسه ویروس دیگه «ایدز، سارس، مرس» سعی دارند به او کمک کنند و هرچور شده او را از کیف شیشه ای بیارن بیرون و باهم فرار کنند...

ایدز-اه تکون نخور دیگه

مرس-بکشش بیرون

کرونا-اه.. اه.. اخ...یکم دیگه

ایدز-صبرکن داره تموم میشه

سارس-اینجوری فایده نداره درنمیاد

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

مرس-خب چرا وایسادی کمک کن درش بیاریم

سارس-یه کم فشاربده

کرونا-نکن دردم میاد...اخ...اخ...اه

ایدز-اه...بس کن تیر که نخوردی

کرونا-کاشکی تیر میخوردم راحت میشدم ازبس که نفرین پشت سرمه ...اه...اه....

ایدز-صبر کن داره تموم میشه

کرونا-چی چی داره تموم میشه دوساعته داری فشار میدی مگه میخوای چاه نفت استخراج کنی

مرس-خب داره کمکت میکنه،یه کم عقب جلو کن

کرونا-چی عقب جلو کنم مگه ساعت رسمی کشوره عقب جلوش کنم...اه...اه...

ایدز-حالا اینقد اه...اوه کن تایکی بیاد ببینه

سارس-خوب ببینه مگه چی

کرونا-چی داری میگی کسی نباید مارا تو این وضعیت ببینه برامون بد میشه

مرس-چه بدی اخه...اخره چقد فکر تو منفیه کرونا

کرونا-فکر من منفیه یا تو من میگم کسی نباید ببینه ماداریم فرار میکنیم بینمون سریع بشر دخدمونو میاره

ایدز-اه چقد...شما حرف میزنید تکنون نخور تمرکز م بهم میریزه

کرونا-قربون تمرکزت برم...اوف...اه...اه...ادامه بده

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

سارس-سرش خیلی بدجور گیر کرده درنمیاد

مرس-میخوایین برم عروسو بیارم

ایدز-،عروسو چیو بیاری

سارس-منظورش صابون عروسه

کرونا-نه چی صابون بیاری مگه دیوونه شدی میخوای هممونو به کشتن بدی ...ای...اه..

سارس-چسبیده درنمیاد

ایدز-مگه نمیبینی چقد تیغ ها سرش تیزه مثل کنه چسبیده به قیف

کرونا-ها ...ها همینجوری ...اوف...

ایدز-بزار چربش کنم شاید فرجی شد...

کرونا-چربش کن سلاطین چربش باعرضه اها...

سارس-اه چه بوی گندی میاد

کرونا-خب دماغتو بگیر ...اه ...همین طوری تکونش بده داره درمیاد...

مرس-بکشش بیرون یالا

ایدز-خب شما هم بیان کمک چرا وایسادی

کرونا-ها ...ها ...ها ...درش بیار

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

"ویروس ها به هیجان درمیان دره‌مین لحظه نور میادو ویروس ها وسط صحنه پرت میشن همه نفس زنان بلند میشن
و خودشونو میتکونن"

کرونا-اخیش راحت شدم خداراشکر گردنم خردنشده

سارس-«نفس زنان» کاشکی گردنت خرد میشد کل دنیا از دستت راحت میشدن

کرونا-ای بابا چرا اینقد هولید، ننه هاتونو که نبردن

ایدز-کاشکی قضیه همین بردن ننه ها بود...ویروس حسابی من بهت گفتم اینجوری از تو قیف محلول بیای بیرون

کرونا-خب چه جوری میومدم

ایدز-خب تو با این تیغ ها سرت معلومه که گیرمیکردی

کرونا-خب تقصیر من چیه که کله ام گنده هست

مرس-یکی به من بگه ما الان دقیقا کجاییم

ایدز-جیبوتی نیستیم

سارس-جیبوتی دیگه کدوم جهنمیه

ایدز-یه کشور افریقایی که زیاد میمون وشامپانزه داره

کرونا-"خنده تحقیرآمیز"

حتما خودتم از طریق همین میمون ها به وجود اومدی

سارس-"نیشخند" دهنتم مسواک کرونا

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ایدز-هرهر نخندسارس ازتویکی توقع نداشتم بعدشم کرونا تو اصلا خودتو تو ایینه دیدی شبیه پیازی

کرونا-کی گفته من شبیه پیازم «روبه سارس» سارس من شبیه پیازم

سارس-سکوت «با اشاره سر تایید میکنه»

کرونا-«روبه مرس» مرس تو بگو راست میگه من شبیه پیازم

مرس-«سکوت وبا اشاره سرتایید میکنه»

کرونا-نخیر من شبیه یه تاج سلطنتی ام...میخوام کل دنیا را فتح کنم وبه دنیا انسان ها پایان دهم

ایدز-حتما نسل ها بعد هم بهت میگن کرونا شاه..

مرس-اه بس کنید یکی به من بگه ما الان کجاییم

کرونا-مرس عزیز ما الان روی کره زمین هستیم

سارس-کره زمین کجاست اونوقت؟

کرونا-روی فضاست....

سارس-فضا کجاست ؟

کرونا-چه میدونم گیردادی حتما زیردریاست

مرس-دیدین ما اصلا نمیدونیم کجاستیم وچرا به وجود اومدیم

ایدز-«درحالی که به شدت خودشو میخارونه» ولی من میدونم انسان ها مارابه وجود آوردن تاازما به عنوان یک سلاح

بیولوژیکی استفاده کنن

مرس-تو این اطلاعاتو ازکجا میاری ایدز

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ایدز-خب معلومه من سال ها دربین این انسان هازندگی کردم ..شما یه مشت ویروس تازه هستین

سارس-یعنی ما وارد قلمرو انسان هاشدیم

ایدز-درسته دنیایی که انسان ها براون حکومت میکنن

کرونا-تو از کجا میدونی

ایدز-من سالهاست ازدست این بشر اسیم...

سارس-من از انسان ها میتروسم

ایدز- انسان هازیادی هم ترس ندارن درست بعضی اوقات نادان به دنیا میان اماگاهی بر اثر آموزش اشتباه احمق میشن وبه

جان هم میفتن

کرونا-ولی بایداز همین انسان ها بترسین این انسان ها به خودشون هم رحم نمی کنند چه برسه به ما که ویروسیم درسته

دنیا کثیفیه ولی همین دنیا جون میده واسه تکثیر

سارس-منظورت چیه کرونا مگه تو قصد داری اینجا بمونی

کرونا-چرا که نمونم

سارس-ولی ما فقط واسه دوساعت از داخل اون کیف اومدیم بیرون یه هوایی عوض کنیم بعدبرگردیم

کرونا-برگردیم ! من پدرم دراومد تا از اون کیف محلول اومدم بیرون حالا دوباره برگردم داخل اون

ایدز-چه فکری تو سرته کرونا

کرونا-وقتی که یه اتم خودش حریف میلیون ها انسانه چرا ما حریف چندتا کشور نشیم

سارس-میشه روشن تر صحبت کنی

کرونا-ما باید از این غفلت بشر نهایت استفاده را کنیم بدبختی بشر اینه که فکر میکنه این جهان به این بزرگی تنها در کره خاکی کشور،وجیب خودش خلاصه میشه الان که انسان ها به فکر همدیگر نیستن ما باید متحد شویم وزمین را از دست این ظالمان رها کنیم

«ویروس ها سکوت میکنندوباهم پچ پچ میکنند»

کرونا-خواهش میکنیم آرام باشید هرکس موافقی جنگ بابشره اعلام حضورکنه

ایدز-جنگ با بشر !!!تو دیونه ای کرونا

کرونا -چیه ترسیدی

ایدز -چه نقشه ای کشیدی

مرس-میخوای مارفریب بدی

کرونا -«نیشخند» فریب ..هه تو اصلا میدونی فریب چیه ???

مرس -مگه میشه ندونم

کرونا-«روصحنه دورمیزنه «خب حالا که گفتین فریب بگوببینم چندنمونه فریب داریم

مرس-منظورت ازاین حرف ها چیه خب فریب ابکی داریم که مثل اب خوردن فریب میخوریم فریب گرگی داریم که شخص فریبکار در لباس میش گرگ از اب درمیاد فریب بعد ازقبل داریم مثل فریب بعدازانتخابات ،فریب بنزینی داریم که خودش بردونوع معمولی وسوپر تقسیم میشه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا-کافیه دیگه متوجه شدم مثل اینکه اینقد هم احمق نیستی «رو به سارس» سارس نظرتو چیه؟؟؟

سارس- «هوآشش جایی دیگه» ها...بله درسته لحظه غم انگیزه اینک که ماساخته شدیم وقتشه برای همیشه زمین را ازشر این بشر خلاص کنیم

ایدز- شما دوتا چی تو سرتونه فکر میکنید چندساعت وچند روزبتونیم زندگی کنیم

کرونا- تو همین مدت کوتاه هم میشه کلی کار انجام داد

مرس- ولی این دنیایی که من میبینم هیچی توش نیست یهو دیدی مثل بادکنک ترکید و همه چی رفت رو هوا...

کرونا- ویروس های عزیز شماچتونه الان که عصر سرعتی، عصر کامپیوتره الان که انسان در عصر تنهایی و فرورفتن در دنیای پوچ مجازی به سر میبره و کل زمین همانند یک دهکده جهانیه چرا ماشناخته ومعروف نشیم قول میدم ده انسان را از یاد بیاوریم میریم تیتراول رسانه های خبری جهان، این انسان های اینقد بی رحم وظالم هستن که جون هم نوعشون به اندازه یک سگ ابی هم براشون ارزش نداره «روبه ایدز» دلت واسه کی میسوزه

ایدز- دل ندارم که بسوزه

کرونا- خب منتظر چی هستین وقتشه دهن انسان ها راسرویس کنیم

«سه ویروس دیگه درحالی که بهم نگاه میکنند سکوت رامیشکنن و با مشت های گره کرده هورا....»

همه موافقت میکنن وصحنه به سخنرانی کرونا قبل از جنگ با انسان ها تبدیل میشه سه ویروس دیگه پشت سرهم روی زانو خم میشن وشعار میدن کرونا تاجی همانند ناپلئون بناپارت از روی میزبرمیداره و روی سر میگذازه»

کرونا-دوستان ما اینک آخرین بازماندگان یک ویروس عظیم الجثه به نام کرونا وریده هستیم پدران ما حدود چند میلیون سال پیش از میلاد دراین کره خاکی زندگی کردن اما هیچی غلطی نکردن اکنون وقت اتحاد ماست

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ویروس ها - «هرسه بامشت ها گره کرده» زنده باد اتحاد ویروس ها کشنده

کرونا-ویروس ها همیشه در صحنه به ماطلاع دادن که انسان ها تعداد زیادی سلاح های کشتار جمعی و فوق پیشرفته از جمله الکل، وایتکس، ژل ضد عفونی کننده دارن مابرای برقراری دموکراسی در جهان متولد شدیم نه غارتگری وقتل

ویروس ها - «هرسه باهم» زنده باد امپراطور کرونا

کرونا-راه پاره کردن یقه سفیدها و یقه ابی ها چیزی جز کمونیسیم جهانی نیست

ویروس ها - «هرسه باهم» مرگ بر کمونیسیم افراطی

کرونا-«قاطی میکنه» راه نابودی حزب باد یا کانفورمیست، بادیست که از ناحیه خود حزب باد تغییر میکنه

سه ویروس - مرگ بر حزب باد وفاشیسم

کرونا-همه می دانیم برای شروع همچنین جنگ بزرگی نیازمنداذوقه و غذا هستیم سارس و مرس در آزمایشگاه میمون تا ترتیبات نهار پیروزمندان ما را بدن

هرسه ویروس ...هورا. هورا

کرونا-دوستان عزیز ...اکنون به یاد ویروس بزرگ و کلیه دوستان اشنایان و بستگانی که این چند هزار سال در دنیا ضد عفونی و کشته شدن گریه میکنیم و میخونیم

«هرچهارویروس یک ترانه غمگین با هم می خونن و در ادامه اهنگ شادی پخش میشه و فضا عوض میشه کرونا و ایدز

میرقصن»

سارس- اه بس کنید ویروس ها بی نزاکت وبی ادب الان موقع رقصیدنه هنوز خون یاران ما سیاه زخم، ابوالا، تب کریمه کنگو خشک نشده اونوقت شما درحال رقصیدنید

کرونا- متاسفم سارس عزیز

ایدز- متاسفم خانم سارس

مرس- دوستان الان وقت این حرفا نیست اینجا روزبه روز داره تمیز تر میشه باید سریع کثیفش کنیم

کرونا- درسته مابرای زنده موندن باید هرچه سریع تر این منطقه را الوده وکثیف کنیم

«هرچهار ویروس هرکدام به نحوی تلاش میکنن محیط را کثیف والوده کنن مثلا یکی افتابه اب میاره تف میکنه توش وهمه اش میزنه ومیپاشه روی زمین یکی سرفه میکنه ، یکی دیگه روی زمین غلط میخوره یکی با سطل ماسه وشن میاره میریزه و.... درهمین موقع سروصدایی میاد

مرس- شنیدید دوستان

کرونا- یعنی کی میتونه باشه

ایدز- این سروصدای پای انسانه هرچه سریع تر قایم شین

«هرچهار ویروس سریع داخل جعبه هابزرگ پرازاسباب بازی قایم میشن»

«درهمین موقع پیرمردی تقریبا ۶۵ساله درحالی که شلوار سیاه وپاچه تنگی که برایش کوتاه دوخته شده ،همچنین یک جفت کفش کالج وجلیقه سیاه بوری، جلیقه ای که چهارجیب بزرگ داره پوشیده از سمت راست صحنه وارد میشه ،ساعت نقره ای رنگ ارزان قیمت به دست پیراهن سفید چرکین که دکمه بالایش را هم محکم بسته ،صورتش همانند ماست گاو هیجده ساله اسرائیلی سفید،بینی اش کمی قرمز شایداین برافروختگی بیشتر از ان که حاصل دل بستگی به بازی گلف باشه

ثمره شیفتگی ازسالیان پیش به طعم ویسکی هست موهایش همانند کاکل ذرت شایدهم همانند موهای زائد زیرشکم قاطر نه ساله از زیر کلاه کاوایی اش مشخصه یک صندوقچه در دست داره ابتدا صندوقچه را روی کاناپه میگذاره سپس خانه را زیر رو میکنه توجیب هاش می گرده وچیزی پیدا نمیکنه اطراف خودشو نگاه میکنه درهمین موقع بیاد میاره که کلیدرا داخل جوراب کفش خود قایم کرده یک کلید کوچک ازتو جوراب کفش خودش درمیاره ،ان را جلوچشم می گیره وماچ میکنه به طرف صندوقچه میره یک حلقه نوار درمیاره همچنین چند سند ونامه های عاشقونه که یادگار شکست های عشقی دوران جوانی اوست مقداری پول درمیاره و واری میکنه دوباره سرچایش می گذاره صندوقچه را قفل می کنه کلیدرا دوباره داخل لنگه جورابش میگذاره

یه کم قدم میزنه به سمت دستگاه میکروب سکوپ میره دستگاه رایه کم واری میکنه دوباره به سمت میز میره این بار دستگاه گرامافون صوت را روشن میکنه موزیک جالبی پخش میشه به طرف کاناپه میره پاها را روی هم انداخته هم زمان باموزیک ادعا واطوارهای عجیب درمیاره کمی رقص گردن انجام میده درمقابل میز او علاوه بر ظرف میوه چند لیوان ویسکی یک تنگ اب یک بشقاب پرازاجیل وتخمه هست، یه دونه خیار سبز بر میداره دودل میشه اونو بخوره یانه خیار رو لیس میزنه وسرجاش میگذاره موسیقی کم کم میره ...

دانشمندچاق-«باخودش حرف میزنه» روزی که ننه ام منو زایید ازقضاگو دوشیزه بوهارنه چهارقلو زاید پدرم موقعی که من به دنیا اومدم ازخوشحالی گفت گامون زایید اما اون خیلی زود ترکید ومرد او همیشه میزد توسرم میگفت گوسفند این دنیا مثل یه پشکله گوسفنده ،یه پشکل سیاه و گرد که هر لحظه امکان داره پای یه جانداری بیفته روش وپخ بشه پنج سال بعداز مرگ همسرم پنجاه هزاردلار پس انداز کردم خدا خودش میدونه وزدل من خبرداره که چقد ازمرگ همسرم تاسف خوردم اما ازیه جایی قربون حکمت خدابرم الان اگر او زنده بود روزی میبایست سه وعده غذا بخوره یا سفارش مرغ سوخاری با سس تند باربیکو میداد یاهم سفارش خوارک تاپ گریل پاک دخل وخرج منو بهم میریخت درسته اون عشق من بود ولی پول واسه من یک چیز دیگه اس همین حالاشم کلی اضاف وبریزپاش دارم این خدمتکار بی

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

چشم روح صاف اومده تلپ شده تواین خونه ،ماریا پاترونی شده خاریابون ، رفته توچشمم رفته واسم من سفارش تابوت
وکیسه داده

«خانم ماریا پاترونی با ارایش کاملا غلیظ درحالی که چتری رنگی در دست داره وارد میشه»

دانشمندچاق - صبرکن نزدیک نشو ...

ماریا-چی شده قربان

دانشمندچاق -گفتم نزدیک نیا ،ببینم نبضت که نمیزنه

ماریا-نه

دانشمند چاق -تب ،سرفه ،اسهال نداری

ماریا-مگه تو این خونه چیزی گیرم میاد که بخورم واسهال بگیرم

دانشمند چاق-خفه شو بی چشم روح منو مسخره میکنی

ماریا--باورکنید منظوری نداشتم

دانشمند چاق -کجابودی !؟

ماریا - رفته بودم تو باغچه به مرغ ها وبوقلمون ها دون میدادم

دانشمندچاق -آخرش میدونم انفولانزا پرندگان را به جون من میندازی

ماریا-واه مگه بوقلمون هم سرما میخوره

دانشمندچاق -نادون وقتی خوک سرما میخوره حتما بوقلمون هم سرما میخوره

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ماریا- واقعا نمیدونستم ولی سرما خوردن بوقلمون میدونه خیلی باحال باشه خدای من تصورکنید بوقلمون بخواد سرفه
یاعطسه کنه

« درهمین لحظه پیرمرد متوجه شن وماسه های که روی کف آزمایشگاه ریخته شده میشه »

دانشمند-ببند دهنتو ...این ها چیه اینجا ریخته

ماریا -«ترسیده»باورکنید امروز صبح این جا رو تمیزکردم قربان

دانشمند چاق-یعنی میخوای بگی من اینارو اینجا ریختم

ماریا -ناراحت نشین ارباب ، الان میرم جارو میارم تمیزش میکنم

دانشمند چاق-لازم نکرده کل خونه و آزمایشگاه را تار عنکبوت برداشته تو اصلا کارت تو این خونه چیه یا میری واسه من

سفارش تابوت و کیسه میدی یا هم میری توجلسات هفتگی حزب باد شرکت میکنی

ماریا -ارباب به سرمبارکتون قسم من سفارش تابوت ندادم جناب ها اون چوبه سفارش دادن

دانشمند چاق -ها اون چوبه غلط کرده اگر دیدیش بهش بگو دیگه حق نداره پاشو خونه من بزاره ...حالیته شد

ماریا-بله ارباب

دانشمند چاق - ببینم ناهار چی داری بخوریم

ماریا-هیچی...

دانشمند چاق -هیچی ! ازصبح تا الان چه غلطی میکردی

ماریا-یکشنبه بود رفته بودم کلیسا دعایی برای شوهر خدایبامرزم کنم

دانشمندچاق -خدا شوهرتو نیامرزه ،که تورا به جون من انداخت،وایسادی نگام میکنی

ماریا-خب چکارکنم

دانشمند چاق- برو رستوران چینی ها واسه ناهارمون نیم کیلو سوپ خفاش بگیر بیار...

ماریا- اه...دوباره غذا چینی

دانشمند چاق-چی !!! چیزی گفتم

ماریا-«لب هاشو غنچه ای میکنه» نه ارباب..ولی همه جور ات اشغال از جیبم بیرون میاد به جز پول

دانشمند چاق-یعنی یه دلار هم همراهت نیست

ماریا-تو بگو ریال،باور کنید یه دونه پر مرغ هم تو جیبم نیست

دانشمند چاق - خب بگو پولشو چندروز دیگه میدیم

ماریا-ببخشید ارباب ولی پول غذا های قبلی را هم ندادین

دانشمند چاق-کدوم غذاها؟؟!

ماریا-خب ارباب ما صبح،ظهر،شب همه اش از این رستوران چینی خرید میکنیم پولشو هم نمیدیم

دانشمندچاق- مگه غذا چینی چشه هزارتا پروتئین و ویتامین داره تازه هم خیلی ارزون وبه صرفه هست

ماریا-ولی ارباب این غذا ها اصلا بهداشتی نیستن چینی ها هر موجودزنده روی زمین وهوا رامیخورن

دانشمندچاق-تو میخوای نخور ولی این غذا ها خیلی ارزون وبه صرفه است من میخورم

ماریا-ارباب من که چیزی نگفتم فقط گفتم صاحب رستوران پولشو میخواد

دانشمند چاق - «دست میکنه تو لنگ جورابش یک دلار بهش میده» بیا بگیر این یک دلار و ربع کیلو سوپ خفاش بگیر بیار بقیه اشو هم یه ادمس عسلی بیار بزارم زیر زبونم خشک شده

ماریا-قربان تا چند دقیقه پیش گفتین نیم کیلو حالا شد ربع کیلو

دانشمند چاق -خب خودت گفتی نمیخورم

«ماریا پولو میگیره باحالت ناراحتی از صحنه خارج میشه و دانشمند به سمت میز آزمایشگاه میره و با قیچی مشغول شکافتن بدن یه موش آزمایشگاهی میشه در همین موقع صدا وز وز چند مگس میاد که سعی می کنند مانع کاراوبشن»

دانشمند چاق - «بار اول و بار دوم ناکام هست اما دفعه بعد با دودوست مگسو میزنه صدا مگس قطع میشه» بیا خوردیش بچه قرتی این مگس ها هم فکر میکنن من خرم حی میان رو پشتم نمیزارن کار خودمو بکنم ،البته میدونم چه مرگشونه ازبس که غصه این کلفت پیرم کرد دیگه زانو هام اب آوردن ازبس کلیسا رفتم ودعا کردم که از شر ماریا پاترونی راحت شوم الهی به حق اولاد نداشته مسیح ماریا پاترونی بری زیر چرخ کالسکه بری زیر لاستیک تراکتور دیگه روماتیسم گرفتم ازبس شکم اوردم نمیتونم ازجا حرکت کنم اون میگه مگه من تو این خونه غذا گیرم میاد یادش بخیر همسر خودم اگر الان زنده بودم مگه این وضعم بود از خواب که بیدار میشدم یه ماچ میزاشت این ور لپم یه ماچ میزاشت اون ور لپم ولی حالا چی از ور این کلفت بی چشم و روح با اون ها اون چوبه ملعون یه لحظه نمیتونم چشم از این صندوقچه بردارم یه وقت میبینی کل داریی هامو بردن دیگه به بانک های سوئیسی هم نمیشه اعتماد کرد یه وقت میبینی ورشکست میشن یا هم خودشون اختلاس میکنن اون وقت خربیار باقالی بارکن «دو دستشو به طرف آسمان بلند میکنه» خوشا به حال ادمی که جای پول هاش امنه

«دانشمند چاق آزمایش بر روی لاشه موش را کنار میگذاره و روی کاناپه مینشینه دوباره همون دونه خیار سبز را برمیداره اما دودل میشه بخورش یا نه به شکل مسخره ای دوباره اونو لیس میزنه و سر جایش میگذاره یک لیوان ویسکی راپر میکنه

لیوان را تا ته سر میکشه دوباره خیار سبز را برمیداره وگاز میزنه درهمن لحضه که خیارسبز دردهانش هست با صدای کشیدن پا وصدای بوق دوچرخه آقای ها اون چوبه ازتعجب بی حرکت میماند هااون چوبه که بسته هایی روزنامه از حزب کمونیست به عقب دوچرخه خودبسته وپرچم کشورچین را روی دوچرخه خودش زده وارد میشه دوچرخه را درگوشی پارک میکنه ودانشمند چاق درحال که خیارسبز در دهانش هست چند دقیقه بدون اینکه حرفی بینشون رد و بدل بشه زیرچشمی همدیگرو نگاه میکنن ها اون چوبه مردیست تقریبا چهل وپنج ساله لاغر اندام که دو دسته بوته موی خاکستری ومشکی در سمت چپ وراست کله اش هست ولی وسط سرش همانند خرمن وسط مزارع جو وگندم خالیست چشمانش همانند تخم کدو ریز دماغش همانند قاره افریقا که ازشمال به جنوب کشیده شده دراز وباریک دهانش حالت جغد دست اموزی داره یک شلوار گشادی به پا داره شلواری که دو سرطنابی به کمرش واز شش نقطه وصله خورده وطناب به جای کمربنداهش بسته شده و هرلحضه این امکان وجود داره که شلوار گشادش از پا بیفته

«ها اونه چوبه دوچرخه اش را در گوشه ای پارک میکنه وبه سمت کاناپه خرابی که دانشمندچاق نشسته میره دانشمند چاق درحالی که خیارسبزی در دهان دارد همچنان باحالت تعجب رفتاروحرکات اورا مشاهده میکنه ها اون چوبه یک دونه حبه قند ازقندون درمیاره همچنان که زیرچشمی دانشمندچاق را نگاه میکنه قند را به صورت ماهرانه بالا میندازه ودریک چشم بهم زدن با دهانش قندو میگیره در ادامه این بار قصد داره یک دونه خیار سبز را برداره اما با واکنش دانشمند چاق روبه رو میشه که محکم دست اورا میگیره»

چاق -فکر کنم این خیارسبز صاحب داره ،بعدشم یادت ندادن موقع که وارد میشی کلاهو برداری واحترام بزاری لاغر-میتروسم کلاهو بردارم مثل دفعات قبل دوباره کلاه سرم بزاری ،بعدشم تک خوری ازدیگاه حزب ما باطل وفرد خاطی مستحق مجازاته

چاق -مرده شور خودتو وحزبتو ببرن ، چرا سرپا وایسادی نمیخوای خم شی بشینی

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

لاغر-عادت ندارم خم بشم چون هر وقت خم شدم شلوارم از شش جا جر خورده

چاق -بله درسته معلومه

لاغر-چه استدلالی داری ازاین که معلومه

چاق -یه نگاهی به شلوار خودت بکنی میفهمی از ده جا وصله خورده

لاغر-«خشتک وشلوار خودشو وارنداز میکنه» این جنسش چینییه زود پاره میشه

چاق -خوبه که خودتم قبول داری

لاغر-که چی...

چاق -که هرچیز چینی کیفیت نداره، خواهش میکنم بفرمایید بنشینید جناب ها اون چوبه این جوری خسته میشین

لاغر-«به زحمت واروم روی چهارپایه خم میشه ومیشینه» اخیش خدا را شکر اینبار به خیر گذشت شلوارم جر نخورد

چاق -یه مدتی نبودى جناب ها اون چوبه

لاغر -تو یه آزمایشگاهی پنج مایلی لائوس برروی لاشه چند گربه ولگرد وچند خفاش تحقیق میکردم

چاق - خفاش!!...

لاغر-بله خفاش

چاق -میشه بیشتر توضیح بدین

لاغر- فقط میتونم بگم یک اتفاق عجیب و غریب و ناشناخته مشاهده کردم تاکنون ۲۰۹ خفاش در کنار سواحلی در هنگ کنگ مردن

چاق- علت مرگشون چی میتونه باشه

لاغر- نمیدونم ولی تب یکی از خفاش ها قبل از مرگش ۳۹ درجه بود

چاق- یه چیزی شبیه انفولانزا پرندگان این که عجیب نیست

لاغر- درسته ولی شیوع این وانتقالش به انسان خیلی راحت تره، تازه رو یه پیرزن نود سال که تحت بیمه عمر و بازنشستگی بود امتحانش کردم در عرض ۱۴ روز پیرزنو از پا دراورده طوری که پیرزن هذیان میگفت، استفراغ و تهوع، سرفه خشک، گلو درد همه این علایمو هم داشته

چاق -جناب ها اون چوبه به نظرمیاد ویروس جالبی و درعین حال خطرناکی باشه اما پذیرفتنش برای من دشواره

لاغر- دشواراست؟؟

چاق -بله چون با ساخت و شیوع این ویروس میشه در مدت زمان کوتاهی جان هزاران انسان بی دفاع را گرفت

لاغر- درسته همینطور، شما یک لحظه شهری بی پرنده، بی درخت و بی باغ از همه مهم تر خالی از انسان را تصور کنید

چاق - «چشم های خودشو میبندد» تصور کردم !!!

لاغر- وقتی که شهر خالی از انسان بشه یعنی خانه نشین شدن بیکاری از همه مهم تر فروپاشی اقتصاد کشورها و حزب ها

چاق - «سری تکون میدد و تایید میکنه» موضوع جالبی شده اما چرا این موضوع را با من مطرح کردی و چی تورا اینجا

کشونده

لاغر- طلبم...

چاق - طلبت!!؟

لاغر- بله طلبم... یادتونه موقعی که این ساختمونو میخواستی بسازی چند شاخه ورق فلزی و میلگرد ازم گرفتی پولشونو

ندادی فکر کردی یادم رفته

چاق - پس اومدی واسه پول اهن قراضه ات ...

لاغر- حتی رفتی به دوستان گفتمی ازم ورق فلزی واهن و میلگرد نخرن به خاطر تو من ضرر کردم مجبور شدم فروشگاه

وسایل بهداشتی وارایشی بزنم الان دوماه صد دلار سود نکردم اخه کی ماسک و مایع شوینده میخره

چاق -جناب ها اون چوبه من نمیدونم چی تو سرته که همه اش برای من و ثروت من نقشه میکشی ،حتی از موقع که بچه

بودی با این که همسایه و همکلاسی بودیم همیشه یا پشتمو خالی میکردی یا پشت دشمنانمو میگرفتی

لاغر- من کاری به گذشته ندارم من طلبمو میخوام

چاق -چشم من طلبتونو میدم خودتونو ناراحت نکنید مایلید باهم یک قهوه بخوریم «کلفت خودشو صدا میزنه» ماریا

..ماریا پاترونی

« با اشفتگی وارد میشه»

ماریا-ها ها چیه

چاق -ها هازهرمار

ماریا-عقوم کنید ارباب

چاق -امشب خبری از شام نیست

لاغر-الان تحریمش کردین!

«خانم پاترونی میره بیرون»

چاق - ببخشید جناب ها اون چوبه ، شماقهوه شیرین میل دارید یاتلخ

لاغر-اگرچایی باشه بهتره ،خدمتکارتون بود

چاق -خدمتکار چی بگم ،عذاب الهی بود

لاغر-اوه خدای من دیدین صورتش همانند گل رز سیاه هلندی میدرخشید

چاق -میدرخشید!!!!ازبس که تو خونه بادمجون وسوپ خورده اینجوری شده هلندی نیست ایتالیایی بعدازمرگ همسرش

اومده اینجا کارهامو میکنه

لاغر-یعنی اینقد وضع مالیت خوبه که خدمتکار هم گرفتی

چاق -خب خونه رفت و روب داره،پخت پز داره،شست وشو داره ،دوخت دوز داره،سوخت وسوز داره،ریخت وپاش داره ،دنگ

فنگ داره ،زاق زیق داره شور وشر داره ،اینم شر خونه منه نمیتونم که به تنهایی کارها خونه رو انجام بدم بعداز مرگ همسرم

مجبور شدم کلفت بگیرم «جاسیگاری زیبایی از تو جیبش درمیاره یه دونه سیگاری برگ کوبایی به ها اون چوبه تعارف میکنه

بفرمایید ...»

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

لاغر-ممنون سیگاری نیستم ریه ام خرابه همین الانم مثل موتور خودرو روغن سوزی میکنه

چاق -اوه جناب ها اون چوبه یاد دوران جوانی بخیر تازه جنگ ایالات متحده با ویتنام شروع شده بود اون موقع من یه دارو ضد هاری ساختم ولی توازشدت حسادت میسوختی ومیگفتی تقلبیه....

«درهمین موقع ماریا پاترونی با دو استکان ونعلبکی وارد میشه درحالی که ها اون چوبه چهار چشمی او را زیرنظرداره»

ماریا-قربان اجازه میفرمایید چای را روی میز بگذارم

چاق-شیطان بزنه به کمر لاغرمردنیت مگه نمیتونی درست خم بشی

ماریا-چشم قربان

چاق -«متوجه ترک خوردن استکان میشه» اوه خدای من چه بلایی سر این استکان آوردی

ماریا-«ترسیده» باور کنید فقط یه کم ترک خورده

چاق-ترک خورده .. اونم فقط یه کم ...«استکان را معاینه میکنه» ازسه جا ترک خورده خانم

لاغر-چیز مهمی نیست

چاق-چیز مهمی نیست!!! تمام دارو ندارمنو این زن داره به باد میده یا استکانو میشکونه ،یا شیر سماور را تا ته باز میکنه

وخودش چای میخوره با این وضع حساب من پاک پاکه دلم میخواد همین استکان را محکم بکوبم تو سرش

ماریا-واه این چه حرفیه که درمورد کله من زدین من اجازه نمیدم هر بی احترامی را به کله ام بکنی اصلا جناب ها اون چوبه

از این چای نخورید بوی زمین شور میده بعدشم الان دیگه دوره تزار نیست که بخوای بهم زور بگی

چاق-خفه اشو دختر سی وچهار کیلویی

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

«ماریا با حالت ناراحتی از صحنه خارج میشه»

چاق - دیدین .. دیدین آتش عذاب الهی را جناب ها اون چوبه میبینی که خدا چه شری را واسم افریده زبونش دومتره

لاغر - خودتونو ناراحت نکنید مگه یه استکان چقد پولشه که اینقد حرص وجوش میخوری

چاق - مگه من پول این استکان را از سرراه اوردم من از کجا پول دارم دوباره استکان نو بخرم

لاغر - تو با این ثروت اگر سنگ ریزه هم جمع کنی وبفروشی سود میکنی

چاق - کدوم ثروت اگر پول داشتم یه خونه میخریدم نمیومدم تو یه آزمایشگاه درب و داغون زندگی کنم

لاغر - من کم کم باید برم کلی روزنامه حزب دارم که باید تو در دیوار بچسبونم

چاق - آخر میدونم با این حزبت دنیا را نابود میکنی ،ناهار رو پیش ما بمونید یه کم سوپ خفاش گرفتم باهم میزنیم

لاغر - نه من باید برم فقط این طلبم چی شد

چاق - «بحثو میخواد عوض کنه» یه کم بیشتر فکر کن جناب ها اون چوبه که واقعا پدران ما چقد زحمت کشیدن تا مابتونیم

راحت زندگی کنیم شما همین صابون رافرض کنید اگر چنین موادی وجود نداشت مابعد از دستشویی رفتن مجبور بودیم

دستامونو خشک خشک بشوریم

لاغر - طلبم چی شد؟

چاق - یا اصلا همین نخ وسوزن اگر واقعا نبود ما چه جوری خشک شلوارمونو میدوختیم

لاغر - طلبم ... طلبم چی شد

چاق - ای بابا چرا دورتر میریم یا اصلا همین قالیچه ومبل اگر واقعا نبودن ما باید روی زمین بنشستیم

لاغر - قربان طلبم چی شده خیال کردی با این حرف ها میتونی طلبم را از یادم ببری

چاق-طلب؟

لاغر-بله طلبیم

چاق-، کدوم طلب تو اصلا ازمن طلب نداری

لاغر-تاچنددقیقه پیش میگفتی میدم حالا میزنی زیرش

چاق-جناب ها اون چوبه تو اصلا سندی نداری که ثابت کنی ازمن طلب داری

لاغر-ازاولشم میدونستم به تو همیشه اعتماد کرد باشه بچرخ تابچرخیم

چاق-حالا خط ونشون واسه من میکشی

لاغر-«بلند میشه ومیخواد بره»اره واسه تو، تویی که این دکمه زیرگلوته محکم بستنی بدون که بستن دکمه زیرگلو زمانی

خوبه که جلوی ردشدن لقمه حروم رابگیره تو هرچه میخوری ومینوشی حرومه خودت ببین چه بلایی سرت میارم

چاق-«باحالت مسخره» ای وای ای وای قلبم دردگرفت ترسیدم ازاین همه تهدید...با دهنش یه صدایی درمیاره برو تو مال

این حرفا نیستی جناب ها اون چوبه مواظب باشید شلوارمبارکتون ازپاتون نیفته

«هااون چوبه سوار دوچرخه اش میشه وصحنه راترک میکنه دانشمند چاق هم پشت سر او خارج میشه»

چاق-اما اون درمورد اون ویروس جدید زیاد توضیحی نداد جناب ها اون چوبه صبرکن ما کلی حرف داریم....

«دانشمند امریکایی همراه با صندوقچه اش به دنبال ها اون چوبه ازصحنه خارج میشه کرونا با حالت عصبانی ازداخل یکی

ازجعبه ها بیرون میاد چندبار روی صحنه می چرخه وتف میکنه به سمت یکی از میوه ها روی میز میره یه میوه برمیداره

ولیس میزنه دوباره سرچاش میگذاره دوباره قدم میزنه وتف میکنه سه ویروس دیگه هم خارج میشن»

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

مرس-چته پسرعمو مثل کتری درحال جوش بالاپایین میری

سارس-چرا اینقد تف میکنی اتفاقی افتاده عزیزم

کرونا-دلم میخواد میخوام زمینو کثیف کنم این خودش یک نوع جهش وگسترشه

ایدز-چیه بدجور نگاه میکنی جاتو تو روی زمین تنگ کردم

کرونا-ازاولشم میدونستم تو جز خانواده بزرگ کرونا ویریده نیستی بلکه یه جاسوسی

ایدز-خدانکنه من جز خانواده کرونا ویریده باشم خودمو زنده زنده مینداختم تو الکل

کرونا-«به سمت ایدز میره» میزنم لت وپارت میکنما

سارس-ارام باش کروناجان...ولش کن

مرس-بس کن کرونا حالاچرا گیر به ایدز دادی

کرونا-تو حرف نزن دخترعمو که همه اش تقصیر توهه که عاشق این ویروس بی سروپاشدی

ایدز-شما یه چیزی بهش بگین سارسی خانم حی به احترام شما هیچی نمیگم

سارس-کرونا جون چی شده چرا درست حرف نمیزنی

کرونا-مگه کربودین نشنیدین اون انسان چی میگفت با کمک وهمکاری جناب آقای ایدز داماد بی سرپا خانواده بزرگ کرونا

ویریده وخیانت های این غریبه قراره واکس ضدمن را بسازن

ایدز-کرونا تو فکر میکنی ماچقد دیگه زنده بمونیم هرلحظه امکان داره ضدعفونی بشیم وبمیریم من سال هاست با این

انسان ها بودم اونا اشرف مخلوقات هستن ما نمیتونم براحتی ازپس اونا بریایم

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا-اونا بی شرف مخلوقات هم نیستن تو به این موجودات میگی اشرف مخلوقات اخه یابو این ها تمام دنیا را زیر دندان
هایشان خرد کردن کافرشدن به خدا ناسزا می گویند

سارس-خب به ما چه ماهم مثل بقیه موجودات زندگی خودمونو میکنیم

مرس-اینقد هم ریزیم که هیچ موجود زنده هم نمیتونه مارا ببینه کسی هم کارمون نداره

کرونا-ولی من هر جور شده این انسان ها را از خواب غفلت بیدار میکنم هرچقد هم به ضررم تموم بشه عمرا من تسلیم
نمیشم و خودمو اسیر انسان نمیکنم

ایدز- تو پاک قاطی کردی فکر میکنی سرباز جهانی خدایی که اومدی این جهان را ازاد کنی

کرونا-شما چتونه به من قول دادین اینقد بچه نباشین اگر نمیخواین انتقام بگیریم تا برگردیم توهمون قیف محلول
ازمایشگاهی

ایدز-اقا من غلط کردم نمیخوام با این انسان ها جنگم نمیخوام تو چشم انسان ها ازاینی که هستم بدترشم

کرونا-تو غلط میکنی از اولشم مطمئن بودم یه خیانتکار و جاسوسی

سارس-اه بس کنید دیگه شما دوتا چتونه حی بهم میپیرین

مرس-من دلم شور میزنه

ایدز-چی شده عزیزم

مرس-احساس میکنم یه خطری مارا تهدید میکنه

ایدز-حق داری عزیزم باید هم احساس خطر کنی الان که همه دنیا از اومدن این اقا مطلع شدن همه دارن دست هاشونو

باصابون میشورن

کرونا-چه میگی هنوز کسی از او مدن من خبرنداره

سارس-واه این حرف هاچیه

کرونا-مگه دروغ میگم شما چرا هر حرفی من میزنم باورندارین همین انسان هایی که تادیروز پوست تخمه را از روی اسفالت بر میداشتن وازش به عنوان خلال دندون استفاده میکردن الان از ترس من هیچکدومشو جرات اینو ندارن دست به اسفالت

بزنن

مرس-من دلم شور میزنه

ایدز-چرا عزیزم

مرس-الان که همه فهمیدن قراره یه ویروس جدید بیاد همه دارن دستاشونو میشورن

ایدز-«باحالت مسخره از گریه میکنه» همه اش تقصیر اینه تا مارابه کشتن نده نمیشینه

کرونا-ولی هنوز کسی از او مدن من خبرنداره

ایدز-چی چی خبر نداره اون دانشمند چینی الان کل دنیا را خبر کرده همه دارن دستاشونو میشورن من یکی دیگه نیستم

کرونا-خفه اشو ترسو بی همه چیز مثل سوزن خراب شده رادیو گرام فقط حرف های مفت میزنی نمیخواهی بجنگی راه بازه

کسی جلوته نگرفته

ایدز-بی همه چیز...حی منم قدیم یه ویروس حسابی بودم با خرید و فروش و توزیع سرنگ های الوده کاروکاسبی خوبی

داشتم کلی از مردمو به خارش کشوندم تا این که تو یه اب الوده با یه ویروس آشنا شدم وخیلی زود باهش ازدواج کردم تا

یه مدت تیتراول رسانه های جهان بودم اما گیر یه همسری افتادم که خدقسمت ادم های هم نکنه ویروس الوده ای که

مثل گرامافون خودکار دائم صداشو رومن بلند میکرد دیگه جونم به لبم رسید تا این که یه روز از دستش فرار کردم

سارس-اسم همسرت چی بود

ایدز-وبا

مرس -چشمم روشن درمورد وبا خانم به من چیزی نگفتی این مدت زن داشتی وپیشنهاد ازدواج به من میدادی

کرونا-دختر عمو این یک ویروس هیزیه ازاولشم گفتم یه ریگی تو کفشه

ایدز-باور کن مرس من خیلی وقته از وبا طلاق گرفتم

ایدز-باورکن مرس من خیلی وقته از وبا طلاق گرفتم بعدشم جناب کرونا نمیخواه درس زندگی وخیانت بدی میخوای به

سارس بگم

کرونا-چیو بگی دوباره چه نقشه ای کشیدی

ایدز-بگم چه کاسه ای زیرنیم کاسه داری

سارس-چی شده کرونا..چه کار کردی سریع راستشو بگو

کرونا-سارس باورکن کار خاصی نکردم

ایدز-خودتو به موش مردنگی زن الان میگم چه گندی زدی ...سارس میدونستی کرونا بهت خیانت کرده

سارس -خیانت !؟؟؟

کرونا-کدوم خیانت ازچه صحبت میکنی

ایدز- از تب کریمه کنگو صحبت میکنم اخه اون کنگویی سیاه سوخته چه داشته که توعاشقش بودی ازاین کله بزرگت

خجالت نمیکشی سارس به این خوشکلی بهش خیانت کنی

سارس-«روبه کرونا» کرونا راست میگه

کرونا-«ترسیده» باور کن من میخواستم درمورد تب کریمه باهات حرف بزنم اما نشد

کم‌دی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

سارس- «تف جانانه به صورت کرونا میندازه که بر اثر این اتفاق کرونا کشنده تر میشه» دیگه حالم ازت بهم میخوره دیگه خسته شدم از همه کثافت کاری ها تو خیلی کوشش کردم اما تو ارزش اینو نداری شوهر من بشی

«با حالت گریه صحنه را ترک میکنه»

کرونا- «صبر کن سارس یه لحظه وایسا کارت دارم

ایدز- مرس عزیزم چرا وایسادی بهتره خودمون هم بریم

کرونا- «آخر زهر خودتو ریختی ایدز کثیف

مرس- «پسر عمو واقعا واست متاسفم مواظب باش جای پای خوبی از خودت تو این دنیا باقی بگذاری

کرونا- تو هم اره

ایدز- «با حالت تمسخر و خنده» ویروس کوچولو مواظب باش تو دنیا زیاده روی نکنی ...یه وقت انسان ها از دستت به ستوه

بیان

«مرس و ایدز هم صحنه را ترک میکنند»

کرونا- «برید گم شید ویروس ها هرزه و بزدل حالم دیگه ازتون بهم میخوره

«کرونا عصبانی میشه به طرف ظرف محلول آزمایشگاهی میره از شدت تشنگی و عصبانیت محلول ترکیب شده شیمیایی

از آزمایشگاهی که دانشمند سال ها بر روی ان کار میکرد را میخوره در همین موقع کرونا سرگیجه میگیره و روی زمین می افته

بدن او به لرزش میفته گویی که بر اثر خوردن این ترکیب محلول شیمیایی و تف جانانه سارس که بر صورت او انداخته

خون اشام شده و از دهانش خون میزنه بیرون بلند میشه باحالت خیلی مسخره گویی که در هوا داره معلق میزنه بال های

خودشو باز میکنه بال بال میزنه و از صحنه خارج میشه در ادامه دانشمند چاق در حالی که ماسک گشادی که از گونی تهیه

شده رو دهن خود گذاشته و در یک دستش صندوقچه و در دست دیگرش چتر است وارد میشه»

چاق-«چتر را خاموش میکنه و میبندد چندبار سرفه خشک میکنه» از صبح تا الان تو بازار بورس مثل فرفره داشتی سرمایه گذاری میکردم اون موقع که خبری از این ویروس منحوس نبوده قحطی بود بارون نمیزد حالا هر روز این اسمون فرت فرت بارون میریزه خداراشکر شلوار و پالتو هام سر جای شان هستن یه وقت میبینی ماریا پاترونی همشونو میبره تو بازار بورس میفروشه من که تو این خونه از دست این خدمتکار آرامش ندارم

«روی کانپه میشینه کلید را از داخل جوراب کفشش در میاره و صندوقچه را باز میکنه خب ببینم امروز صبح چقد سود سهام داشتی مشغول شمردن پول ها همیشه درهمین موقع ماریا پاترونی سرمیرسه دانشمند سریع مقداری از پول هارو داخل دهانش میگذاره»

ماریا پاترونی-«باکاسه ای وارد میشه» ارباب سوپ خفاشتون آماده است

دانشمند چاق-«دستپاچه و عصبانی» چشمتو ببند... گفتم چشمتو ببند

ماریا پاترونی-«با حالت ذوق چشماشو میبندد» وای ارباب جونم میخوای سوپرایزم کنی

دانشمند چاق-مگه اینجا کله پزی برادران کارمازوفه سرتو انداختی بدون اجازه میای تو

ماریا پاترونی-اه... خب سوپ خفاشتونو اوردم کوفت کنی

دانشمند چاق-چته مثل بورژوازی سرنبریده حی میری ومیای

ماریا پاترونی-ببخشید قربان این صندوقچه را چرا گذاشتی زیر پات

دانشمند چاق-این فضولی ها به تو نیومده دختر بعدشم ده بار بهت گفتم این فنرهای کانپه رو ببر درست کن که حی

از زیر پامو پایین نره

ماریا پاترونی-خب یه کم پول بده تا درستشون کنم

دانشمندچاق-مگه من رو چاه نفت خوابیدم یا بانک جهانی رو زدم که اسم پول میاری اصلا من اگر پول داشتم باتو حرف میزدم

ماریا پاترونی-خب چکارمیکردی

دانشمند چاق -میرفتم دختر کوچیکه صدراعظم المان را میگرفتم

ماریا پاترونی -پس داخل این صندوقچه که روش نشستستی چیه

دانشمندچاق -یه مشت کاغذ پاره باچند نامه های عاشقونه که هیچ وقت به دست معشوق هام نرسیدن یادگار شکست های عشقی دوران جوانیمه

ماریا پاترونی-پس سند اون باغ تماته را چه کار کردی

دانشمند چاق -من اون باغ تماته را چندساله فروختم

ماریا پاترونی -ولی قربان من تا جایی که میدونم شما اون باغو هنوز دارین حتی میدونم یه باغ انگور جداگونه هم دارین من جای شما بودم با این پولی که داشتین یه صنعت گردشگری راه مینداختم مثلا همین باغچه پشتی را گل رز میکاشتم هلندی ها تمام ثروتشو از همین راهه تازه اشم بانک بین المللی پول وام یک میلیونی باسود ۱۲درصد میده فرصت خیلی خوبیه

دانشمند چاق -فکر کنم از روزی که تو جلسات هفتگی حزب باد وفرصت طلب شرکت میکنی کله ات یه کم باد کرده این چرندیاتو بزار واسه خودت برو تو کشور خودت صنعت گردشگری راه بندازمن نیازی ندارم

ماریا پاترونی -«ناراحت میشه» خوب این کاسه سوپ خفاشتونو چکار کنم

دانشمند چاق -من گفتم سوپ خفاش واسم بیار میخوای منو بکشی و باغ تماته را بالا بکشی کورخوندی

ماریا - ارباب مگه الزایمر دارین خودتون امروز صبح پولم دادین گفتین برم رستوران چینی ها سوپ خفاش بگیر حالا میزنی زیرش

دانشمند چاق - من کی گفتم مگه نمیبینی من این نیو ماسکو به خاطر همین خفاش های لعنتی زدم

«ماریا پاترونی با کاسه سوپ خفاش از صحنه خارج میشه»

دانشمند چاق - «باخودش حرف میزنه» «فایده نداره خطر در کمینه مثل این که دور برمون ادماهایی خطرناک تر از کرونا وجود داره باید اخر شب که رفتم دستشویی یه فکر اساسی کنم همیشه به این ماریا پاترونی اعتماد کرد یه وقت میبینی کل صندوقچه را باخودش برمیداره ومیره بهتره یه جایی پیدا کنم این پول ها واسناد را قایم کنم الان هم که عصر کامپیوتره همیشه اون ها را توبانک گذاشت یه وقت میبینی این هکرهای روسی همه پولمو برداشت میکنن اون وقت خربیار خرما بارکن ، بهتره تو همین کاناپه قایمشون کنم یه قیچی از روی میز آزمایشگاه برمیداره وکاناپه را سوراخ میکنه مقداری از اسناد وپول های را تو کاناپه قایم میکنه حالادیکه دست هیچ دست بچه جنی بهشون نمیرسه درهمن لحظه ماریا پاترونی درحالی که دردستش یک مرغ لاغر وبدریخت سربریده هست وارد میشه» .

ماریا پاترونی - «باحالت ذوق وخوشحالی وارد میشه» ارباب جونم ارباب

دانشمند چاق - توکه باز برگشتی دوباره چی شده دست چپ شیطون .. ارباب جونم ارباب جونم میکنی «اداشو درمیاره»

ماریا پاترونی - ارباب خوشبختانه ناهار امروزمون هم جور شد

دانشمند چاق - اینقد خوشحالی واسه این مرغ بدریخت لاغرمردنیه

ماریا پاترونی - «با سرتاییدمیکنه»....

دانشمند چاق - این مرغو از کجا آوردی

ماریا پاترونی - ارباب این مرغو واقعا نمیشناسی

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمندچاق- خب نه از کجا باید بشناسم، شبیه عمه لی لی ته

ماریا پاترونی-یه کم بادقت نگاش کن

دانشمند چاق-حرف میزنی یا با این قیچی چشاتو از کاسه دربیارم

ماریا پاترونی-قربان این مرغ لاغرمردنی و بدترکیب خودمونه

دانشمند چاق-«جامیخوره» چی!!! این مرغ منه کی این بلا راسرش اورده، فقط نگو که انفولانزا مرغی گرفته

ماریا پاترونی-نه ارباب انفولانزی مرغی کجا بود

دانشمند چاق -پس کی این بلا را سرش آورد

ماریا پاترونی-جناب ها اون چوبه

دانشمند چاق -میدونستم کار خود ملعونشه، ولی اخه چرا اون بامن مشکل داشته چکار مرغ لاغرو پرریخته من داشته

ماریا پاترونی -متاسفم قربان با دوچرخه اش تومیدون زیرش گرفت هنوز اثار تایر دوچرخه رو گردن مقتول هست

دانشمندچاق -ها اون چوبه غلط کرده مرغ زبون بسته ولاغرمردنی وپرکنده گردن دراز منو تو کوچه به طرز فجیعی له ولورده

کرده بعد تو الان باید به من بگی

ماریا پاترونی-ارباب چند دقیقه پیش تو کوچه زیرش گرفت خداراشکر به موقع به دادش رسیدم سرشو بریدم

دانشمندچاق-خودت سرشو بریدی

ماریا پاترونی -هاپس چی فکر کردی منو دست کم گرفتین

دانشمند چاق - ولی من ده دقیقه پیش این مرحوم را دیدم تو خاک و خل می پلکید تو افتاب زیر دختر مثل دختر هیجده ساله قدم میزد ... ااه ... ااه مرغ بد ریخت و بی پر من ، به زودی تقاص خون تورا از اون ها اون چوبه معلون میگیرم من به انجمن دادگاه و دادسرا فدرال جهانی شکایت میکنم

ماریا پاترونی - به خاطر یه مرغ پرکنده لاغرمردنی

دانشمند چاق - اره من این مرغ لاغرمردنی را رسانه ای میکنم مگه من مرغمو از سر راه اوردم سال ها برای اون زحمت کشیدم بهش گندم و بهترین ذرت مکزیکی دادم تازه تو این اوضاع گرونی روزی دوتخم واسم میزاشت کلی صرفه جویی در صبحانه ام میکردم الان باید برم پنیر دانمارکی با قیمت پنج دلار بخرم تو که از قیمت گوشت و لبنیات خبرنداری تازه کی میخواد این جوجه ها بی زبونشو بزرگ کنه راضی هستی برم این جوجه ها یه روزه رازنده به گور کنم

ماریا پاترونی - دلت واسه جوجه ها یک روزه میسوزه

دانشمند چاق - نه په دلم واسه بیوه بودن تو میسوزه همین الان خودکار و کاغذ بیار یه مانفیسست جهانی بنویس

ماریا پاترونی - بگو مینوسم

دانشمند چاق - از ان جایی که ما این حقایق را بدیهی میدانیم که خون همه انسان ها و همه موجودات زنده دیگه چه خزنده چه گزنده و چه چرنده و چه پرنده برابر افریده شدن و هر موجودی زنده ای حق زندگی ، آزادی و خوشبختی داره، اما متاسفانه امروز بیستم نوامبر در سال ۱۳/۱۰ دقیقه ظهر در میدان خوزه ما شاهد بودیم جناب ها اون چوبه ملعون مجهز و مسلح به یک دستگاه دو چرخه با فرمون سایز بیست و هشت از پشت مرغ دم کوتاه و لاغر مردنی منو زیر گرفت در نتیجه این عمل زشت و ناخدا پسندانه تخم دان روده کور مرغ ترکیده همچنین منقار مرغ به طور کلی شکسته حنجره بالایی ، چشم راست و سنگدان او به طور شدید آسیب دیدن لذا به منظور اجرای برنامه ها و اهداف بلند مدت تقاضا رسیدگی و اشد مجازات برای اون چوبه معلون دارم امضا کنندگان ماریا پاترونی و خودم

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

«درهمین موقع صدای کشیدن پا و صدای بوق های ممتدد دوچرخه ها اون چوبه میاد چون دوچرخه ترمز نداره ها اون چوبه به سرعت زیاد به چند تا از وسایل آزمایشگاه برخورد میکنه درادامه بلند میشه و خوندشو میتکونه»

دانشمند چاق - شما اگر بوق زدن بلد بودین مرغ منو زیر نمی گرفتی

دانشمند لاغر - اوه متاسفم دوست عزیز اما باورکنید من مقصر نبودم خودش مقصر بود یکدفعه خودشو جلو تایر دوچرخه انداخت

دانشمند چاق - ولی من از شما به دادگاه فدرال جهانی شکایت میکنم

دانشمند لاغر - شکایت میکنی

دانشمند چاق - بله شکایت میکنم

دانشمند لاغر - میتونم بپرسم تعریف شما امریکایی ها از اردنگی چیه

دانشمند چاق - «ترسیده» اردنگی !!؟

دانشمند لاغر - بله اردنگی

دانشمند چاق - داری منو دست میندازی

دانشمند لاغر - نه چکارت دارم فقط کنجکاو بودم بدونم

دانشمند چاق - خب اردنگی تعریف های زیادی داره مثلا واکنش سریع پا به سمت باسن یاهم هرگونه تحرک ناخو گاه از نوک

انگشتان پا به سوی باسن

دانشمند لاغر - افرین ... الان شما هوس اردنگی کردین

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمند چاق - شما چینی ها هم تایه چیزی میشه یا چنگ میندازین یا اردنگی میزنید راستشو بگو تو ازمن چه میخوای
جناب ها اون چوبه اصلا چرا بامن چپ افتادی

دانشمند لاغر - لابد موجود خطرناکی هستی

«صدای اژیرقرمز ماشین از بیرون میاد ... توجه توجه همشهریان عزیز خطر کرونا جدی است در خانه بمانید دست هاتونو با
اب صابون بشورید چای بنوشید دمنوش بخورید... دمنوش»

دانشمند لاغر - کم کم باید به زوزه این اژیر عادت کنیم

دانشمند چاق - من موجود خطرناکیم یا تا که این ویروس منحوس را به وجود آوردی

دانشمند لاغر - من این ویروس را انتشار ندادم این یه ویروس مصنوعی ودست سازه که از ترکیب محلول های شیمیایی مختلف
از داخل این آزمایشگاه وتوسط فردی احمقی مثل تو به وجود اومده

دانشمند چاق - مرد حسابی چرا تهمت میرنی تو خودت تموم دنیا را خبر کردی حتی بهم گفتی روی یک پیرزن نودساله
میگو فروشی امتحانش کردی

دانشمند لاغر - من آزمایش هازیادی انجام دادم ولی این ویروس از این آزمایشگاه انتشار یافته

دانشمند چاق - من این حرف ها سرم نمیشه حدود یک ساعت پیش شما مرتکب جرم شدین ومرغ منو کشتین وشما
موظفین پول مرغ بدین

دانشمند لاغر - من پول مرغتو نمیدم چون قبلا ازت طلبم داشتم زد زیرش اما در عوض میتونم باهم یک معامله ای کنیم
دانشمند چاق - چه معامله ای

دانشمند لاغر - تجارت

دانشمند چاق-تواصلا میدونی تجارت چیه ...تاجرکیه

دانشمند لاغر-کسی که تا میشه جر میخوره مردحسابی من الان سال ها سرم تو تجارته از نخ سوزن بگیر تافروش لوازم ارایشی وماسک های بهداشتی الان خودت خجالت نمیکشی اینقد پول داری نمیدی یه ماسک بهداشتی درست حسابی بگیری رفتی تکه های گونی بریدی به جای ماسک استفاده میکنی بیا خودم کلی ماسک با قیمت مناسب بهت میفروشم

دانشمند چاق -پس این ویروس کرونا هم به نفع اته بوده فکرکنم سودخوبی از فروش ماسک به دست آوردی

دانشمند لاغر-اره بابا کلی همین مدت سود کردم اگر ماسک خواستی بیا تاباقیمت مناسب بهت بفروشم

«درهمین لحظه کرونا بدون این که دو دانشمند یا کسی دیگه او رابینه وارد صحنه میشه وبعضی جاها اداهای مسخره از خودش نشون میده»

دانشمند چاق - نه بابا اینجا روزی ماریا پاترونی صدبار ضدعفونی میکنه اصلا کرونا اینجا نمیاد خودم کلی لباس وشلوارهای کهنه وپاره پوره وبه دردنخور دارم میدم به خدمتکارم بدوزه وماسک درست کنه

دانشمند لاغر-اوه فکر خیلی خوبیه

دانشمند چاق -جناب ها اون چوبه واقعا این کرونا لعنتی امروز یه معطل جهانی شده چرا نمیای این ماجرا را دوستانه بین خودمون حل کنیم هرکدام به اندازه ای شریک بشیم

دانشمند لاغر-من خوش ندارم با دیگران شریک بشم چون تاریخ نشون داده که همیشه رو قول شما امریکایی ها حساب کرد

دانشمند چاق -اوه نه اینجور نفرمایید جناب ها اون چوبه ...نوشیدنی میل دارین

«کلفت خودشو صدا میزنه وماریا پاترونی با پیش بند اشپزخونه وکف گیر وارد میشه»

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ماریا پاترونی -بله قربان من همیشه آماده سپاسگذاریم حضرت اشرف

دانشمندچاق-سریع یه نوشیدنی بدون قند وبدون رنگ واسه جناب هااون چوبه بیار

ماریا پاترونی-قربان فقط تو یخچال اب خالی داریم

دانشمند چاق -خب میخوای چه باشه فکرکردی الان پر از شراب های بورگاندی وقبرسی ونوشابه های پپسیه، نوشابه پوکی

استخوون میار

ماریا پاترونی-جناب ها اون چوبه میشه چندتا از اون روزنامه های باطله حزب کمونیسمتون بدین بچسبونم روی پنجره

ظهر اینجا نورخورشید اذیت میکنه

دانشمند لاغر-«یه کم ناراحت میشه» نه این روزنامه ها حزبین باید دربین مردم پخش بشن باطله نیستن

دانشمند چاق -دوست عزیز شما ناراحت نشین ازروزی که میره تو جلسات حزب کانفوربولقلمونیسمش شرکت میکنه کله

اش باد خورده هذیون میگه

دانشمند لاغر-اشکالی نداره من ناراحت نشدم اخر هرکس حق داره برای خودش فلسفه مطابق میل خودش ببافه

دانشمند چاق -چرا وایسادی برو دولیوان اب بیار....

«ماریا پاترونی ازصحنه خارج میشه وبعد ازچندلحظه با دو لیوان اب وارد میشه کرونا هم که تو جمع هست ولی کسی اورا

نمیبینه گهگاهی ادا واطوارهایی ازخودش نشون میده ودو دانشمندو مسخره میکنه حتی با دستش ابو هم میزنه وسعی

میکنه الوده اش کنه داخل یکی از لیوان ها تف میکنه که در ادامه یکی از دو دانشمند ازش میخوره دوباره لیوان هارو

سرجاش میزاره «

دانشمند لاغر-به نظر نمیاد دختر شروری وخطرناکی باشه

دانشمند چاق - شما که ازچیزی خبر ندارین این زندگی منو نابود کرده عین خودته هرروز واسه من نقشه میکشه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

«ماریا پاترونی وارد میشه ودو لیوان را روی میز میگذاره وکرونا که تو جمع هست با انگشتش ابو هم میزنه»

دانشمند لاغر-«دست تو جیبش میکنه» بیا بگیر این چنددلارو به عنوان انعام بگیر

ماریا پاترونی-نه ممنون...من نیازی ندارم

دانشمند لاغر-خواهشا میکنم بردارین حالا سعی کن یکی هم از اربابت بگیری

«دانشمند چاق با ابروهایش اشاره میکنه نگیر»

دانشمند لاغر-چرا وایسادی بگیر...اگر قبول نکنید می رنجم این فقط یک حمایته

ماریا پاترونی-«پولو میگیره وبا دودستش قلب میگذاره» ممنونم جناب ها اون چوبه شما باعث میشین گونه هام از خجالت

سرخ بشن

دانشمند لاغر-قابلی نداشت حالا سعی کن از اربابت هم بگیری

ماریا پاترونی-اربابم دستشویی نمیره میترسه گشش شه میخوای به من انعام بده

دانشمند چاق - خفه اشو من هیچ وقت واسه یک لیوان اب انعام نمیدم هیچ وقت پولمو مثل دیوونه ها دور نمیریزم

دانشمند لاغر-تو با این پول ها چکار میکنی نه غذا درست حسابی میخوری نه لباس نو میخری حتی هزینه ساخت دیوار

حیاط خونه اتو هم گابریل مکزیکی داده...

دانشمند چاق -اسم اون گاوچرون مکزیکی را پیش من نیار ازش متنفرم

دانشمند لاغر-«همچنان که چهار چشمی ماریا پاترونی را نگاه میکنه» خانم پاترونی شما برای کار چرا جای بهتری را

انتخاب نمیکنی

دانشمندچاق-فکر کنم شما دلباخته دوشیزه پاترونی خدمتکار ماشدین

دانشمند لاغر-چطور مگه

دانشمند چاق-چون چند وقته اینجا زیاد میپلکی..مشکلی نداره اگر این خدمتکارو میخواین پیش خودتون مشغول بشه بیا
یه ده دلاری هم روش میدم ببرش پیش خودت مشغول به کاربشه

دانشمند لاغر-دوست عزیز همه حرفات بوی دعوا میده

دانشمند چاق -من دعوا دارم یاتو که میای تو این خونه نقشه میکشی واسه خودم وخدمتکارم جلو روی خودم بهش
چنددقیقه پیش گفتم اینجا نمون

دانشمند لاغر-اشتباه نکن فکر نکنم دعوای ما سر یه زن باشه دعوای من وتو سر پولو وقدرته

ماریا پاترونی-قربان اگر اجازه بدین من برم

دانشمند چاق -کجا بری

ماریا پاترونی -غذا رو اجاق داره میسوزه

دانشمند چاق -باشه برو

ماریا پاترونی-جناب ها اون چوبه ناهار امروز اینجا میمونید

دانشمند لاغر-پیشنهاد وسوسه انگیزیه با کمال میل خوراک های شما باید خیلی خوشمزه باشن

دانشمند چاق-اره فوق العاده هستن فقط قابل خوردن نیستن

ماریا پاترونی-جناب ها اون چوبه اگر سوپ خفاش نمیخورین من واستون مرغ شکم پر پختم

دانشمند چاق -«باصدای بلند» چی ...مرغ شکم پر

ماریا پاترونی -«ترسیده» بله شکم پر

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمندچاق-مرغ شکم پر اونم تو خونه من

دانشمند لاغر-خودتم باورت همیشه

دانشمند چاق -نکنه اون مرغ مقتولو که این معلون با دوچرخه اش شکمشو خالی کرده حالا تو شکمشو پرکردی

ماریا پاترونی-«باسر تایید میکنه»

دانشمندچاق- تو غلط کردی تو اگر میتونستی این چند سال شکم خودتو پرمیکردی

ماریا پاترونی -من چه هیزم تری به شما فروختم ارباب ..چرا نسبت به من اینقدر بی رحمی

دانشمند چاق-اخه نادن هنوز تکلیف دیه و دادگاه اون مرغ مشخص نشده اون مرغ باید میرفت پزشک قانونی کالبد شکافی

بشه تا دنیا بدون این بشر چقد ظالمه که به مرغ بیچاره من هم رحم نکرده ولی تو رفتی اونو سریع قیمه قیمه کردی اصلا

اون مرغ قابل خوردن بود قسم میخورم ازبس لاغر مردنی بود صدتارب گوجه هم قرمزش نمیکرد

«ماریا پاترونی باناراحتی صحنه راترک میکنه»

دانشمند لاغر-دوست عزیز اصلا مهم نیست خودتونو ناراحت نکنید من پول مرغتونو میدم واسه خدمتکارتون خوبه یکسری

مقررات وایین نامه وضع کنی که دیگه مرتکب خطا نشه

دانشمند چاق-الان شما چکارید اینجا که صحبت میکنید

دانشمند لاغر-من درمقام طلبکار صحبت میکنم وشما مجرم وبدهکارید

دانشمند چاق -من هیچ خودمو مجرم احساس نکردم حتی وقتی به کسی بدهکار باشم الان شما مرغ منو زدین وبدهکارین

دانشمند لاغر-اما من باتوجه به طلبی که ازت داشتیم حساب کردم تاپنج روز اینده می تونم تو این خونه هرچی دوست دارم

بخورم وبنوشم

دانشمند چاق-اوه متاسفم فکر کنم تو این خونه چیزی واسه خوردن پیدا نمیشه

دانشمند لاغر- دوست عزیز چرا نمیای باهم سازش کنیم بیا این چنددلار پول مرغت...اگرشما مایل هستین برای تحقیق بیشتر درمورد این ویروس و کمی قدم زدن به ساحل بندرگاه بریم و تو یکی از کافه ورستوران ها میگوفروشی باهم به نهار بخیریم

دانشمند چاق -ولی همه جا تعطیل شده شهرها وخیابون ها شده عینهو قبرستان ارواح

دانشمند لاغر -ولی رفتن و سرزدن به رستوران های غذا فروشی کنار سواحل میتونه کمکی زیاد به انجام پروژه تحقیقاتی کنه

دانشمند چاق -موافقم همین الان میریم

«هر دو از صحنه خارج میشن»

«کرونا به محض خارج شدن دو دانشمند تمام میوه ها روی میز را گاز میزنه به طرف دستگاه گرامافون میره و اونو روشن میکنه از داخل گرامافون اهنگی پخش میشه کرونا ژست میگیره و به شکل مسخره ای میرقصه مثلا میتونه یه رقص باله ایتالیایی باشه موزیک قطع میشه کرونا کمی استراحت میکنه و روی کاناپه مینشینه باخودش حرف میزنه»

کرونا-درمورد من این روزها شایعات زیادی در سراسرجهان پخش می کنند مثلا میگن کرونا حرکت نمیکنه شما خودتون الان دیدین من چقد رقصیدم و حرکت کردم راستش من نه کمونیسسم نه سلطنت طلبم نه فرصت طلب ونه اس ار من یه ویروس فسقلی ومعمولیم یه ویروس دهاتی تازه شعور سیاسی هم ندارم خوشم از سیاست نیماذ از روزی که اومدم هزارمیلیارد زباله کم تر به طبیعت ریخته شده وحدود ششصد گونه جانوری وگیاهی را از خطر انقراض نجات دادم همه جا را تعطیل کردم که به زمین بگم که از دست انسان ها نفس راحتی بکشه یه بعضی ها میان میگن من مونتم چون تنها یه زن میتونه چهارده روز سکوت کنه بعدا بزنه همه چی را تو دوروز لت وپارکنه یه بعضی ها دیگه هم گفتن من کاری به کودکان ندارم مثلا همین چندروز پیش من رفتم تو یه تالاربرزگی که مراسم عروسی بوده یه دختر کوچولو دیدم دوساله دیدم که مادرشو

گم کرده بود بهش گفتم مادرت کدومه گفتم نمیدونم اما میدونم قبل از اومدن مانتو قهوه ای خاله امو پوشیده سریع او پیدا کردم ومبتلا به کروناش کردم تو دلم گفتم به فکر خودت نیستی لاقل به فکر این کودک باشه خلاصه ما تصمیم گرفتیم تو زندگی خودمو دخالت نکنیم چون بقیه انسان ها زحمتشو میکشن یکی میگه کرونا اونجوری یگی میگه کرونا اینجوری یه عده ای هم دارن دنبال داروی ضد من میگردد که منو ازپا دربیارن اما هیچ دارویی دیگه نمیتونه داغ دل این همه انسانو درمون کنه

«درهمین لحظه سه ویروس دیگر که اکنون ازقدرت کرونا باخبر شدن واز اتفاقات گذشته پشیمان هستن باحالت هیجان وارد میشن»

سارس-«باهیجان وارد میشه وزل زده تو چشم کرونا» کروناجان من به تو افتخار میکنم

مرس-پسرعموجان همه ویروس ها حیران هوش وذکاوت سرشار شما شدن

ایدز- «خم میشه وادای احترام میکنه»جناب کرونا شما باعث اضطراب دربین انسان ها شدین کاری که قبلا هیچ ویروسی به این اندازه نتونسته بود انجام بده

کرونا-عجب !! حالا که مطلع شدین من به جایی رسیدم دوباره پشیمون شدین وبرگشتین

سارس-کرونا جان مارابه خاطر رفتارگذشته ببخش مادرمورد تو اشتباه فکر میکردیم

کرونا-حالا که اومدین بهتون بگم ازهمین روز اول رفتار وعلائم خودتونو به هیچ وجه داخل روده ومعده افراد نمایان نکنید ایدز- مرحبا مرحبا شما دست به رستاخیز عظیمی درجهان زدیدیلی از انسان ها دچار سینه پهلو شدن شما تونستی در مدت زمان کوتاهی کل دنیا رابگیری

سارس-من میدونستم بالاخره مزد زحمتاتو میگیری این چند سال همه اش تو این آزمایشگاه درب داغون رشدونمو کردی که حالا به اینجا رسیدی

کرونا-من واقعا قدران شما هستم و دستان پرمحبت تمام شما ویروس ها رامیفشارم وارزوی بهروزی برای همه ویروس های عالم دارم برای هرکدام از شما دوستان وفرزندانتان در هرشهر وکشوری شش ساختمان بزرگ برای زندگی کردن وتولید مثل آماده هست قبل از این که شرح وظایف شمارا بهتون بگم بهتره چندتا مسائل ونکات آموزشی برای زنده ماندن در شرایط سخت بدونید اول اینکه بدونید این یک جنگ فیوویو لوژیکه الکل،ژل ضدعفونی و وایتکس سه سلاح کشتار ویروسی هستن که در اختیار بشره شما باید مواظب باشین به هیچ عنوان رو سطوح فلزی وپارچه بیش از دوازده ساعت نخوابین چون احتمال ضدعفونی کردنتون زیاده تا میتونید مثل کنه به کف کفش ها بچسبید تنها به ریه حمله کنید سعی کنید زمانی که انسان ها ماسک روچونه میزنید ازراه دماغ ودهان وارد بدن شین اگر ناقل کرونا ماسک نداشته باشه وعافل کرونا ماسک داشته باشه احتمال نفوذ ما به بدن صددرصده واگر بالغ کرونا ماسک داشته باشه وعافل کرونا ماسک هم داشته باشه احتمال اینکه ناقل کرونا مبتلاشده شصت درصده اگر ناقل کرونا ماسک نداشته باشه وبالغ کرونا ماسک هم نداشته باشه خطر نفوذ ما به بدن صفره فهمیدین

ایدز-مخم گوزید من که چیزی نفهمیدم

کرونا-مهم نیست از امروز کارمونو بادقت بیشتری شروع خواهیم کرد خانم سارس شما مسئول سیستم اخبار واطلاع رسانی انلاین هستی تا میتونی به سیستم های اطلاعاتی وفضای مجازی حمله کن

سارس-چشم قربان «میره وپشت سیستم کامپیوتر میشینه»

کرونا-جناب ایدز شما مسئول کنترل پرونده های جاسوسی وامنیتی هستین

ایدز-«احترام نظامی مسخره ای همانند سربازان نظامی حزب نازی میزاره وازصحنه خارج میشه» هایل ویروس ...

کرونا-خانم مرس شما هم وردست باشی مسئول یگان خدمات وحمل نقل باشین

مرس-چشم پسر عموجان

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا- «روبه سارس که پشت کامپیوترنشسته» سارس پشت او سیستم چکار میکنی

سارس- قربان در حال تنظیم جدول گزارش های آنلاین هفتگی هستم

کرونا- امار رسمی و آنلاین مبتلایان چقدره

سارس- یک میلیون سی و صد پنجاه هزار نفر تا الان که از این امار تعداد هشتاد و هشت هزار دویست هزار فوتی داشتیم

کرونا- خوبه از دوستان و ویروس و همجنس ما در سراسر دنیا چه خبرهایی دارید

سارس- «در حال تایپ کردن» قربان طی تماسی که الان با کروناز خواهرت داشتیم گفته به سختی از دماغ انگلا مرکل

صدراعظم المان عبور کرده و او را مبتلا کردم

کرونا- «رو به مرس» مرس هرچه سریعتر لیست بلندپایه ای از وضع خوراک مردمان کشورهای جهان واسم پیدا کن

مرس- «گوشی خودشو در میاره» چشم پسرعمو جان الان سرچ میکنم

سارس- قربان اینجا را نگاه یه خبرگذاری نامشخصی تیر زده که شهاب سنگ بزرگی قراره طی چند روز آینده

از چهار کیلومتری کره زمین رد بشه

مرس- ولی من مطمئنم تا یه جاشو به ایران نمالونه رد نمیشه

کرونا- «متعجب» ایران؟!... ایران دیگه کجاست

مرس- خودمم اطلاعاتم ناکافیه ولی خدا کنه هیچ وقت خودمون ویروس ها به پست ایرانی ها نخوریم هیچ شانسی واسه

زدن موندن نداریم

کرونا- ایران همون ایتالیا

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

مرس - نه پسرعموجان اشتباه نکن ایتالیا به کشور اروپایی و ایران به کشور آسیایی زمانی که من خاورمیانه بودم فهمیدم

کرونا- منو باش که این مدت ایتالیا ها را داشتیم به جای ایران ها میزدیم

سارس- بیچاره ایتالیا داره تاوان شباهت پرچمشو با ایران میده

مرس - پسرعموتو چوری افقی وعمودی بودن پرچمو تشخیص ندادی

کرونا - سارس هرچه سریع تر باقیه ویروس های ازجنس خودمان تماس بگیر دارین اشتباه میزنین احمق ها

مرس - بالاخره پیدا کردم

کرونا-چیو...!!!

مرس-وضع خوراک مناطق مختلف جهان اینجا نوشته چینی به خوردن گوشت همه جانوران زنده انگلیسی ها به خوردن

گوشت لاک پشت ایتالیاها خوردن گوشت خرچنگ دریایی فرانسوی ها خوردن گوشت قورباغه پرتغالی ها خوردن گوشت

سگ افریقای جنوبی خوردن گوشت موش های صحرایی و خانگی اهالی گینه نو به خوردن گوشت انسان وسایر حیوانات تازه

نود درصد کالباس های انسان از گوشت اسب وقاطر والاغ هست

کرونا-کافیه سارس ممنون از اطلاعات خوب ومناسبت

سارس-«پشت سیستم» این بو چیه

کرونا-بوی حس نمیکنم

مرس -بو غذا سوخته رو اجاقه

کرونا -نه بوی یک سگ مرده است که تو کوچه افتاده

مرس- تو کشتیش

کرونا- نه دخترعمو من چکارش داشتم مامورهای شهرداری زدنش این روزها هرخرابکاری میشه میندازه گردن من الگی شایعه سازی میکنن مشکوک به من ...

«ایدز با پوشه های زیادی که زیر بغل داره با احترام زائدالوصف سلام میکنه با لحن ریا کارانه شروع به صحبت میکنه»

ایدز- جناب کرونا وظیفه اخلاقی من ایجاد میکنه وقایع دور و بر شمارا به اطلاعاتن برسانم من وظیفه اخلاقی خود را به نحو احسن انجام دادم

کرونا- زر نزن، چندبار گفتم دست از این مقدمه چینی هات بردار شروع کن ببینم چکار کردی

ایدز- «چهار پرونده مهم را جدا میکند» قربان این چهار پرونده مهم هستن که از وزرات بهداشت جهانی دزدیدم

کرونا - بفرمایید ...میشنوم

ایدز- پرونده اول در مورد دولت البانی واستقلال این کشور از یوگسلاوی سابق است که می توان با مطالعه این پرونده به وضع بهداشت مردم فقیر کوزوو در سال ۱۹۹۰ پی برد

کرونا- «متعجب» بعدی...

ایدز - پرونده دوم در مورد حقوق پرداخت نشده کارگران شرکت لوله گاز مغولستانه

کرونا- ای خاک توسرت بعدی رابخون

ایدز- پرونده سوم در مورد زنی شصت و سه ساله کوبایی هست که توسط شوهرش با جوراب خفه شده

کرونا- نادون بعدی

ایدز- پرونده چهارم در مورد فردیست ایرانی ک زبونم لال قراره داروی نابودی شما را بسازه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا- «ترسیده» چی.. شخصی ایرانی داروی نابودی منو بسازه

مرس- قربان گفته بودم هنوز به تور ایرانی ها نخوردین

کرونا- «به فکر فرو میره» سارس

سارس- بله قربان

کرونا- سریع اطلاعات این شخصو میخوام

سارس- «باسیستم کار میکنه» بله قربان الان

مرس- پسرعمو توفضای مجازی زده نخست وزیر بریتانیا اعلام کرده که ما به زودی این ویروس منحوس ولعنتی را شکست

خواهیم داد

کرونا- «عصبانی» اه یکی بره سریع خفه اش کنه بیاد... سارس چکار کردی اطلاعاتشو در نیاوردی

سارس- چرا... قربان مردیست از اهالی روستا مال ملا حسن اباد سفلی که چندسالیست به خاطر شغل بنایی وساختمانی به

یکی از شهرهایی مذهبی همین کشور سفر کرده، تازه سلاح کشتارجمعی الکل را سال ها پیش هم شخصی به نام زکریاجون

از اهالی همین کشور ساخته

کرونا- هرچه سریع تر دستوربدین گروه های ازبهترین ویروس ها زبده طی یک عملیات ضربتی وحساب شده به ایران اعزام

باشن واین شخص را ازپا دربیارن

ایدز- «احترام مسخره نظامی» بله قربان

کرونا- مرس چه غلطی میکنی اونجا

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

مرس-سلفی میگیرم بزارم استوری با این عکس سلفی که باشما گرفتم ان کا میشم

کرونا-ان کا دیگه چه زهرماریه

مرس-ان کا تعداد کسانی هستن که دنبالت میکنند

کرونا-من همین الان کل رسانه ها بشر زوم کردن روم...ان کا میخوام چکار

سارس-«ازپشت سیستم بلند میشه» کرونا عزیزم الان که تموم خیابون ها خلوت و خالی هستن چرا نریم تو خیابون دور

بزیم

کرونا-الان وقت بیرون رفتن نیست سارس همه مردم تو خونه هستن باید وارد خونه ها شیم وهرطور شده مردم بیرون

بکشیم

ایدز-قربان داره یه صدایی میاد

کرونا-انسانه سریع برین خودمونو قایم کنیم شاید مجهز به وایتکس باشه

«ویروس دوباره داخل جعبه ها قایم میشن وبعداز چندلحظه ماریا پاترونی بالباس وتجهیزات پزشکی با یک تخت ویلچر دار

وارد میشه دانشمند چاق هم درحالی که سرمی به دست داره با حالت مسخره ای که راه میره وارد میشه»

دانشمندچاق-«درحالی که سرفه های بسیار خشک میکنه» دستت درد نکنه دخترم این تختو ازبس تمیز کردی ادم

خجالت میکشه روش دراز بکشه

ماریا پاترونی -بهت گفته بودم بیرون نری قرنطینه هستی گوش نکردی با جناب ها اون چوبه رفتی بیرون تا بدتر شدی

دانشمند چاق-میدونستم این معلون خوش نداره من حالم خوب باشه

ماریا پاترونی-«یه قوطی کنسرو خالی کنارش میزاره» ارباب اگر خواستی تف کنی این ظرف تف کنارته

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمندچاق -ظرف تف دیگه چیه!!!

ماریا پاترونی- «یه پیژامه بهش میده» اینو هم بگیر خواستی فین کنی، تو این فین کن بهت گفته باشم نه یه وقت تو ملافه فین کنی

دانشمند چاق-تبم داره بالا میره میشه یه درجه بیاری بزاری زیر بغلم

ماریا پاترونی- «یه ترمومتر از جیبش درمیاره وتکون میده» بیا اینو پنج دقیقه بزار زیر بغلت

دانشمندچاق-تهوع واسهال هم دارم ازدیشب تا الان هرچه سوپ خفاش خوردم مثله تلمبه اوردم بالا

ماریا پاترونی-«دست تو جیب خود میکنه ویه دونه قرص درمیاره» بیا بگیر ایه قرصو فقط خودت زحمتشو بکش با دست مبارکت شیافش کن

دانشمندچاق -دخترم میبینی چقد ضعیف شدم

ماریا پاترونی-ارباب چرا باکفش دراز کشیدین کفشتونو دربیارین مگه نمیدونی این ویروس به کف کفش ها میچسبه

دانشمندچاق-باشه دخترم،عجب بساطی شده...اخ مثل این که اوضاع جورابم خرابه «جوراب هاشو پاره پوره»

ماریا پاترونی -بدتر از خراب که بوش میتونه یه قاطررو ازپا دربیاره

دانشمندچاق- ای وای کی این کلید داخل جوراب من گذاشته

ماریا پاترونی- ارباب کلید صندوقچه اته؟!؟

دانشمند-نه دخترم این کلید تدبیره

ماریا پاترونی- یعنی چی تدبیره؟؟؟

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمند چاق- یعنی اگر امید داشته باشی این کلید واست شانس میاره

ماریا پاترونی- فکر کنم تبتون داره بالا میره

دانشمندچاق -نمیشه یه کاری کنید تبم بیاد پایین قول میدم یه کادو خوبی بهت بدم

ماریا پاترونی -کادو ...!؟

دانشمند چاق-اره اگر خوب شدم قول میدم یک جفت دمپا با یه دوچرخه قسطی واست بخرم

ماریا پاترونی- باشه اگر میخوای زنده بمونی باید خورد وخوراکتو بیشتر کنی والا دچار خطراتی به مراتب بدتر از این وضع

خواهید شد چون سیستم ایمنی بدنته ضعیفه شده

دانشمندچاق -یعنی غذاهای ویتامین دار بخورم ،این قبلا یه نوع سرماخوردگی گریت ذات الریه بوده که بدون دوا ودرمان

هم خوب میشه اولین باره تو مشاهداتم با همچنین ویروس عجیبی برخورد کردم

ماریا پاترونی-«امپول به دست» معطل نکن بکش پایین

دانشمند چاق -بله !!!! چیو بکشم پایین

ماریاپاترونی-خب باید امپولتونو بزnm

دانشمند چاق -«یه کم ملافه را میکشه پایین» باشه...فقط اروم بزnm

ماریا پاترونی- وای ارباب بدنتون چقد مو داره اینقد مو داری که اگر وارد بزها بشی تشخیص دادن شما ازبزها سخت تره

دانشمندچاق-من پدرم پدر پدرسگم هم گوسفندچرون وگاوچروون بودن

ماریا پاترونی- قربان این مدت باید تا میتونی غذاهای پروتین دار بخورید مثل گوشت ،تخم مرغ ، شیر وپنیر

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

دانشمند چاق-گوشت که گرونه، تخم مرغ هم دیگه مرغی ندارم که واسم تخم بزاره پنیر تو بازار چقده

ماریا پاترونی-دو دلار

دانشمند چاق- دو دلار بدم واسه پنیر اخرشم خنگم کنه...نخواستیم

ماریا پاترونی - «یه صورت خریدی از تو جیبش درمیاره» من نمیدونم این برنامه غذاییته که برای زنده موندن و تقویت

سیستم ایمنی بدن حتما باید مصرف کنی

دانشمند چاق -باشه بخون بینم چی نوشتی

ماریا پاترونی- چهار کیلو ماهی ، سه کیلو گوشت قرمز ، پنج کیلو تماته ،سه تا هندوانه ،چهار کیلو پیاز، دوکیلو عدس ، سه

کیلو لیمو ،دو تاپنیر خامه ای ، سه تا مایع ظرف شویی بزرگ ، صابون ،شامپو و...

دانشمند چاق-«دهانش از تعجب باز میکنه» واویلا میخوای بدهکارم کنی ،میخوای اتیش به اموال نداشتم بزنی من ویتامینی

که تو تماته وپیازه نمیخوام،سیستم ایمنی بدنی که خودشو با تماته وهندونه قوی کنه باید بزاریش زیر سنگ له ولورده اش

کنی

ماریا پاترونی- ارباب مگه جون شما مهم تره یا پول شما برای زنده موندن باید سیستم ایمنی بدنتونو تقویت کنی

دانشمند چاق-خب معلومه پول ،تاپول نباشه جون چه فایده داره جون داشته باشی ولی پول نداشته باشی همون مردنت

واجب تره

ماریا پاترونی-من نمیدونم هرکاری میخواید انجام بدین الان شما حاضرین بمیرین ومن میرم ...

دانشمند چاق-نه ..نه من نمیخوام بمیریم خواهش میکنم نرو نرو من خودمو خیس میکنم

ماریا پاترونی -خب برای زنده موندن دست به جیب شو

دانشمند چاق - «از داخل لنگ جورابش مقداری پول درمیاره» خب چقد میخوای؟

ماریا پاترونی - ۱۰۰ دلار

دانشمند چاق - چه خبره ۱۰۰ دلار نمیخواد صورت خریدتو بده خودم میرم بازار میخرم میارم «بلند میشه بره»

ماریا پاترونی - نه شما نباید از روی تخت تکون بخورین به مدت دو هفته قرنطینه هستین باید تو خونه بمونید بیرون بیای

بقیه هم مبتلا میشین همین الان هم معلوم نیست شاید منم به خاطر این که پیش تو هستم گرفته باشم

دانشمند چاق - باشه بیا این ۴۰ دلارو بگیر اگر بدهکار شدی بگو بقیه اشو اخر ماه اکتبر میدیم

«ماریا پاترونی پولو میگیره و خارج میشه»

دانشمند چاق - «سرفه های خشک میکنه» خدا لعنتت کنه ها اون چوبه با این ویروسی که ساختی ... کاشکی بدون سرفه

واخ وتف و خونریزی واسهاله همین جوری اروم واهسته برم اون دنیا ولی به مرگ کرونا نمیرم ادم ابرو واسش نمیمونه نه

مراسم ختمی نه مراسم کفن ودفنی زشت نیست یه ویروس نیم وجبی مارابکشه «از روی تخت بلند میشه درحالی که به

شکل مسخره ای راه میره صندوقچه ای که به گردن اسکلت آزمایشگاهی بسته را باز میکنه وباخودش روی تخت می بره

صندوقچه را این باربه وسیله تخت به پاش میننده کم کم به خواب میره نورمیره صدای شکمش ازخروپف بالا وپایین میره

صدا خروپفش تا ازچند کوچه بالاترهم میره درهمین موقع ها اون چوبه درحالی که کلاه نقاب داری زده با چراغ قوه اش

وارد میشه کفش هایش را به دست گرفته وهمانند پنگوئن راه میره آزمایشگاه را به شدت جستجو میکنه ولی هیچی

دستگیرش نمیشه بربالین دانشمندچاق میره ومتوجه صندوقچه میشه که به پاش بسته شده چندبار سعی میکنه صندوقچه

را از پا اون باز کنه اما ناموفق هست دانشمند چاق مدام تو خواب حرف میزنه وکلمات «صندوقچه ،صندوقچه ،ملعون ،مرغم

،کلفت بی چشم وروح ،دوچرخه قسطی» را میگه ها اون چوبه هرچقد تلاش میکنه ناموفق هست وصحنه راترک میکنه

درادامه نور موضعی کم صورت ویروس ها رانشان می دهد که ازجعبه ها میان بیرون ...»

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

سارس- دیگه نمیتونم صدا خرپف وعرعر این گفتار پیرو تحمل کنم

ایدز-«به شدت خودشو میخارونه «سارس تو هم مثل زن های مدلینگ نازک نارنجی شدی

کرونا-تو چرا اینقد خودتو میخارونی ایدز

ایدز-مرض خارش دارم

مرس -یعنی چه ؟!!؟

ایدز-عزیزم یعنی تنم میخاره ، وای چه خارش یه لحظه نمیتونم اروم بگیرم امانم رابرید

سارس-واخ واخ درد خیلی بدیه

کرونا-بیشتر کجات میخاره

ایدز-همه جام هیچی جایی نمونده نخارونده باشم

«ویروس ها به طرف وسط صحنه میان که دانشمند چاق بر روی تخت دراز کشیده وملافه سفید روش کشیده شده وازشدت

تب ولرز دندایش هایش رابه هم میساید ویروس ها دور او را محاصره کردن «

سارس-بهبتره همین الان خفه اش کنیم

مرس-منم از دست این پیرمرد شاکی هستم باید همین الان از شرش راحت شیم

سارس- جناب کرونا من به گوش خودم شنیدم که این گفتار پیر به شما فحش داده

کرونا-چه فحشی داد

سارس- فحشش خیلی توهین امیز بود ...

کرونا-چی گفت؟؟

سارس-گفت کرونا چینی

ایدز-کرونا چینی که فحش نیست

سارس-خیلی هم فحشه یعنی این که کرونا من عمرش همانند اجناس چینی

مرس-درسته حتی به شما گفته ویروس منحوس، کرونا بیشراف، کرونا خر است

کرونا- واقعا این حرف ها را زده اصلا نگران نباشید الان خفه اش میکنم

ایدز-نه دستت نگه دارین، الان وقتش نیست

کرونا-چرا الان خفه اش نکنم

ایدز-بزارید دو روز اخر چون الان سیستم ایمنی بدنش خوب کار میکنه اگر حمله کنیم با واکنش سیستم ایمنی بدن روبه

رو میشیم

سارس-ولی این سیستم ایمنی بدن اینجوری که من شنیدم گيجه بعضی اوقات گلبول های خودشو هم اشتباهی میزنه

مرس-پسرعموجان ولی شما نباید بیخیال باشی یادته رفته همین مرد بود سال ها مارا داخل کیف شیشه ای خودش زندونی

کرد

ایدز-قربان به نظر من کاریش نداشته باشین تا دلتون بخواد اون تو دماغش مسلسل کار گذاشته روزی صدبار عطسه و سرفه

میکنه خودش الرژی داره تازه ریه اشم بر اثر مصرف دخانیات زیاد خرابه

سارس-اره منو دیدم چه عطسه هایی میکنه موقعی که عطسه میکنه دماغش عین لوله خرطوم فیل سودانی مرتب همه جا

را اب پاشی میکنه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

مرس-درسته موقعی هم که عطسه میکنه صورت بقیه را تف تفی میکنه

کرونا-خب این به نفع ماست مابه راحتی تو هوا معلق میزنیم وبقیه را مبتلا میکنیم

سارس-من از همچنین ادم هایی بدم لافل خودتون رعایت نمی کنی یه دستمالی جلوی دماغ گنده ات بگیر تابقیه را الوده نکنی

ایدز-حق با شماست سارس عزیز منم شاهد عطسه وسرفه های خرکی این گفتار پیربودم

«صدای اژیر وبلند گو ازبیرون ... درخانه بمانید عاقلانه ومنطقی رفتار کنیدخطر کرونا جدی است از تردهای بی مورد وبیجا دراماکن عمومی جدا خودداری کنید کرونا عصبانیت»

کرونا-مثل اینکه یکی داره میاد سریع قایم شین شاید وایتکس داشته باشه

«ویروس ها دوباره قایم میشن نورمیاد ماریا پاترونی با چند پلاستیک خرید وارد میشه»

ماریا پاترونی- ساعت ده شبه گرفته خوابیده الان بخوابه دیگه نیمه های شب نمیزاره بخوابیم ،ارباب هنوز خوابین ارباب

چه وقت خوابه دیگه نمیتونم صدای خروپفشو تحمل کنم ارباب ...ارباب مثل این که خوابش سنگینه «از تو جیب خودش

یه سوتی درمیاره باصدای سوت ماریا پاترونی دانشمند ازتو خواب میپره»

دانشمند چاق- ها ها..چی شد تموم شد رفتیم فینال

ماریا پاترونی-واه فینال چیه این صندوبچه چرا بستی به پات

دانشمند چاق -هیچی داشتم یه کم بدنسازی کار میکردم میخواستم مچ پامو قوی کنم حداقل بتونم در برابر کرونا مقاومت

کنم

ماریا پاترونی -چقد تو خواب خروپف میزنی

دانشمند چاق -خانم پاترونی چند بار بگم خروپف کردن من ارثیه وربطی به رو شکم خوابیدن من نداره ...این ها چیه خریدی

ماریا پاترونی - حتما شنیدی که گفتن هرکس بتونه داروی ضد این ویروس را بسازه صدمیلیون دلار بهش پاداش میدن حالا

منم مقداری وایتکس و روغن بنفشه، شاش شتر ومغز مورچه وتپاله خر مارکو پولو گرفتم باهم قاطی کنم بینم چه میشه

دانشمندچاق-«تعجب میکنه» شاش شتر،تپاله خر مارکو پولو

ماریا پاترونی -اره

دانشمند چاق -ولی من به این چرندیات اعتقادی ندارم این ویروس طبیعی نیست بلکه شیمیایی ساخته دست ها اون چوبه

معلونه ...ماریا

ماریا پاترونی -«مشغول دارو درست کردنه» بله چیه

دانشمند چاق -دیشب خواب عجیبی دیدم

ماریا پاترونی -چه خوابی دیدین ...

دانشمند چاق-خواب دیدم زیر شکم یه خر خوابیده بودم خر خودشو انداخته بود روم طوری که میخواستم زیر پاش خفه

اشم خر زور میزد منم زور میزدم از زیرپاش فرار کنم با وحشت درحالی که خیس عرق بودم وشمع های رو میز درحال تمام

شدن بودن یک نفر لاغر با چراغ قوه تو چشمام میزد چند بار دست هاشو به طرف جیبم دراز کردبعدش نمیدونم خوابم چی

شده رفتم یه دنیا دیگه

ماریا پاترونی -خب بعدش چی شده

دانشمند چاق-اونجا وارد یه دنیا دیگه شدم یه سیاره عجیب اونجا مورد استقبال قرار گرفتم همه شخصیت های وصدراعظم

های بزرگ جهان بودن که چپ چپ نگاهم میکردن همون لحظه یکی از شخصیت های مهم امریکایی به عنوان خیر مقدم

سخنرانی مفصلی را شروع کرد در ادامه دومامور سیاه وچاق مرا به یک کاخ بزرگی بردن اونجا یکی از خبرنگارها ازم سوالاتی پرسید ازم پرسید ایا در کره زمین دموکراسی هست

ماریا پاترونی -تو چه جوابی دادی

دانشمند چاق-گفتم اره یه کمی بود اما یک مرتبه همانند زنجیروترمز دوچرخه ها اون چوبه برید دوباره یکی دیگه ازخبرنگارها ازم پرسید الان چه موضوعاتی در کره زمین بیشتر روی ان ها بحثه وبر افکارعمومی مردم تاثیر داره

ماریا پاترونی -تو چه جوابی دادی

دانشمندچاق - گفتم موضوعات مهمی زیاد مورد بحثه از شرت و زیر پیراهن ستاره های مشهور هالیوود بگیر تا دعوای سلبریتی درفضای مجازی برای افزایش لایک وفالوئر که این موضوعات ازبس که داغ شدن ملت ها چه پیر وچه جوون بر سر ان ها بحث میکنن

«صدای اژیر خطر وبلندگو از بیرون...توجه توجه درخانه بمانید خطر کرونا جدی است کیسه ها زباله رایواشکی بیرون بزارید از تماس دست با سطل زباله جدا خودداری کنید کرونا اعصاب نداره»

ماریا پاترونی -«دارویی که درست کرده» بیا یه مقداری از این بخور واست خوبه

دانشمند چاق-ولی من که علیل ومریض نیستم

ماریا پاترونی -خب حداقل بیا این جوشانده را بخور

دانشمندچاق-این دیگه چیه

ماریا پاترونی -جوشانده کلاله ذرته درست کردم برای بازکردن راههات خیلی خوبه

دانشمند چاق-کدوم راه ها

ماریا پاترونی-راه های مجاری ادرارایت دیگه برای اینکه بهتر بتونی رفع حاجت کنی

دانشمند چاق-اما من که مجاری اداریم عیبی نداره فقط معده یه کم مثل ساعت ها اوراق کار میکنه

ماریا پاترونی-باشه اصلا نخورید منو باش کی بیخود دارم ازت مواظبت کنم

دانشمند چاق -فکر کردی من نمیفهم با این داروها میخوای منو بکشی وامالمو ببری

ماریا پاترونی-«صدای بلند»ولی تو با این مال منال بیشتر خودتونو کثیف میکنید ارباب بیشرف حفته که بمیری

دانشمند چاق -صداتو ببر چیه دادوبیداد راه انداختی تو پارس کردنت هم بدتر از گازگرفته، من بیدی نیستم که از این

بادها بترسم خیالو نکن میتونی منو بکشی همین امروز اینجا را ترک میکنی جای تو دیگه تو این خونه نیست

ماریا پاترونی-باشه پیر هاف هافو میرم ولی به خاطر این کارهات حفته که کرونا بگیری وبمیری الهی چرک امیخته باخون

ازغده ات بریزه بیرون ومثل نیمرو پهن بشی کف زمین

دانشمند چاق-میزنم تو دهننت تابفهمی توهین به ارباب یعنی چه

«ماریا پاترونی صحنه را ترک میکنه ودانشمند چاق باخودش کمی حرفی میزنه درحالی که سرفه های خشک میکنه به

خواب عمیق میره چهارتا ویروس دوباره ازداخل جعبه ها بیرون میان»

سارس- نزدیک بودخفه اشم من دیگه یه دقیقه دیگه نمیتونم اینجا بمونم

مرس-بوی وایتکس اینجا داره بیشتر میشه بهتره بریم یه جایی دیگه پیدا کنیم

«درهمین موقع که سرفه های پیرمرد زیاد تر میشه از زیر تخت سلول خاطره یاهمون لنفوسیت که متعلق به سیستم ایمنی

بدن دانشمند هست چند غلط میخوره و وسط صحنه پرت میشه ویروس ها از شدت ترس چند قدم عقب تر میرن»

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا- آماده باش هدف اضطراری همه سرپست هاشو «موضع میگیرین» هدف سییل مقابل

ویروس ها- «باهم» دیدم

کرونا- مسافت یه متر

ویروس ها- «باهم شنیدم»

کرونا- کی هستی خودتو معرفی کن

لنفوسیت- «تکون نمیخوره»

سارس- مرده

مرس- این دیگه کیه من میترسم

کرونا- به نظر میرسه یک نوع سلول مرده بدن باشه

سارس- شایدم جسد یک پانگولین

ایدز- «چون قدیمی تره میشناسه» نه دوستان این سلول خاطره یا لنفوسیته

کرونا- چرا از خودش مقاوتی نشون نمیده

«لنفوسیت زبونشو فقط درمیاره وگردنشو عقب جلو میکنه»

سارس- چرا اینقد زبونشو میاره بیرون

مرس- حتما تشنه اش ...

ایدز- تشنه اش نیست نگهبان بدنه حالا هم تشخیص داده ما بیگانه هستیم داره سروصدا میکنه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

کرونا-چرا از خودش واکنشی نشون نمیده

ایدز-داره حضور مارابه ساینرگلوبول هاسفید بدن خبرمیده

مرس-تو از کجا میدونی

ایدز-من چندین بار از دست اینا فرار کردم گلوبول ها واقعا سلول های بی رحمی هستن یه کم عقب تر وایسین هرلحظه

ممکنه از خودش پادتن تولید کنه

«لنفوسیت از تو جیبش یه دونه تفنگ اب پاش درمیاره وسمت ویروس ها میپاشه دانشمند چاق هم رو تخت مدام سرفه

های خشک و شکمش بالا وپایین میاد»

کرونا-افراد موضع بگیرید مثل این که طرف مسلح هست

ایدز-داره انزیم میپاشه

لنفوسیت -«گویی نابیناست صحبت میکنه» شما کی هستین

مرس-مثل این که واکنش نشون داد

سارس-منوباش فکر کردم لاله ..

ایدز-لال نیست کوره به سختی میتونه گلوبول های خودرو تشخیص بده

لنفوسیت -گفتم شما کی هستین

کرونا-اون داره ماراشناسایی وکدگذاری میکنه

ایدز-ما سلول های خودی هستیم

لنفوسیت -سلول های خودی!؟!

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

ایدز-اره من گلبول سفیدم اینم گلبول قرمز اینم گلبول ابی و گلبول زرد

لنفوسیت -دروغ میگین شما میکروب ها بیگانه هستین من نمیتونم شما را شناسایی کنم یه کم نزدیک تر بیاین همه اتونو میبلعم

ایدز-عقب تر واپسین خطرناکه هرلحظه امکان داره حمله کنه

لنفوسیت -ویروس ها بیگانه اره من شما را شناسایی وعلامت گذاری کردم مگه شما کاروندگی ندارین شب تا صبح دنبال یه سوراخ سمبه ای از بدن میگردین خودتونو بندازین توش

سارس-من دلم واسه اش میسوزه چقد نحیف ولاغر ومردنیست

کرونا-خب صاحبش پیرشده اینم دیگه ضعیف شده

مرس-مگه نمیبینی اینی که روی تخت دراز کشیده هیچ نمیخوره ازبس که خسیسه اینو تقویت نمیکنه

ایدز-قیافه اش چقد قرمزوداغونه شبیه دکمه انصراف دستگاه خودپرداز بانک ...

لنفوسیت -«به سمت ایدز تف میکنه وایدز جاخالی میده»

مرس-سالمی ایدز

ایدز-اره خوبم به خیرگذشت دوستان مواظب باشین میخواد با مایع چسبنده لزج به دام بندازتون

لنفوسیت -بزودی لشکری ازگلبول های سفید از رگ های بدن عبور میکنند وکارتون ساخته است

ایدز- جناب کرونا بهتره تا گروه فاگوسیتها از راه نرسیدن هرچه سریع تر دخلوشو بیاریم

کرونا-ولی باچه بهش حمله کنیم با دست خالی همیشه سریع انزیم میپاشه

کمدی کرونا یا «پاندمی ۱۹» نویسنده: حسن سالارمنش

لنفوسیت - ایدز تو و دارودسته اس این بار دیگه به دام میفتین هنوزم مثل سگ پیر موریکته وکچل خودتو میخارونی

ایدز-به تو ربطی نداره بدن خودمه اختیارشو دارم

لنفوسیت -جدیدن با خانوادهدویروس ویریده می پری خبریه ...

ایدز-مگه قراره خبری باشه به کوری چشم تو قراره دامادشون بشم

سارس- کرونا حوصله ام سررفته بزار ازچهار طرف بهش حمله کنیم

لنفوسیت -کرونا چه اسم اشنایی کدومتون هستین یه قدم بیا جلو

سارس-پسر عمو نقشه اشه میخواد با مایع چسبنده به دام بندازت

کرونا -نترسین مواظب هستم

«یه قدم جلو میره»

لنفوسیت -پس کرونا کرونا که میگفتن تویی این تاج چیه گذاشتی به کله ات باور کن این مدت ازبس گلبول ها اسمتو

گفتن حساسیت گرفتم دوست دارم یه مدتی اردشیر صدات بزوم

کرونا-چکارم داشتی منتظر حمله ات هستم

لنفوسیت -خواستم بگم ما خودمون داخل شکم این پیرمرد هزارتا بدبختی داریم میشه راه تو بگیری وبری

کرونا-ولی من تا تموم بافت ها بدنو قیچی نکنم سرجا نمیشینم

«پیرمرد حالش بدتر میشه»

لنفوسیت - مثل این که هنوز منو نشناختین همین چند روز پیش ویروس ابله مرغان را غیرفعال کردم و دیگر در بدن خاموش شده ..

کرونا-ولی اینو بدون ازدیروز تا الان تعداد گلبول های بدن کم تر چهار هزارشدن منو به زودی ریه را از کار میندازم

لنفوسیت -ولی من لنفوسیت هستم برای گرفتن جانتان اینجام

ایدز-به ریخت وپات نمیخوره بتونی امروز ازعهده من ودوستام بریای

سارس- کرونا بهتره بهش حمله کنیم

مرس -میخوای من سرشو گرم کنم شما ازپشت بهش حمله کنید

کرونا- نه دوستان از چهار طرف بهش حمله میکنیم «باصدا بلند» حمله میکنیم

«هرچهار ویروس از چهار طرف بهش حمله میکنن ولنفوسیت فقط روی ان ه انزیم سمی میپاشه واون ها جاخالی میدن

درهمین موقع کرونا با صندلی بر سر لنفوسیت میکوبه همزمان که لنفوسیت نقش بر زمین میشه واز پا درمیاد روی تخت

دانشمند چاق هم میمیره درهمین موقع خانم ماریا پاترونی وارد میشه وهمه جا را با وایتکس والکل سم پاشی میکنه «

ایدز-ای وای بوی الکل وایتکس انسان ها حمله کردن

کرونا-فرار کنید بوی الکل داره زیاد تره میشه

سارس- صبر کنید من بیام

«هرچهار ویروس از طرف دیگر صحنه خارج میشن «

ماریا پاترونی- اینم تا لنگ ظهر خوابه یه بار هم اینجا راضد عفونی نمیکنه ارباب هنوز خوابی ارباب ای وای چرا بلند نمیشه

«دست وتوجیب خودشو میکنم دوباره سوتو درمیاره وسوت میزنه ولی این بار پیرمرد بلند نمیشه» ای وا ارباب نکنه مرده

باشه ارباب مرده نبضش نمیزنه «دست تو لنگ جورابش میکنه وکلیدو درمیاره صندوقچه را باز میکنه وتمام پول ها وسندها داخل اونو برمیداره وبه جاش یک کفن سفید میزاره وخارج میشه ازطرف دیگر صحنه ها اون چوبه با دوچرخه اش درحالی که پشت سرهم بوق میزنه مستقیم میاد ومیخوره به تخت»

ها اون چوبه -اوه متاسفم دوست عزیز ...امروز خواستم ترمزشو درست کنم وقت نکردم ...چرا جواب نمیده خانم پاترونی خانم پاترونی ...اینکه نبضش نمیزنه خداراشکر مرده «خوشحال میشه ومتوجه صندوقچه میشه که درگوشه ای ازصحنه هست سریع به طرف صندوقچه میره ودرب صندوقچه را باز میکنه اما تا متوجه کفن سفید میشه بر اثر فوبیا وترس ازمرگ سخته قلبی میکنه ومیمیره ومارشو جز قربانیان کرونا رد میکنن «

پایان

«هرگونه کپی برداری برداشت تغییرنام نویسنده ونمایش نامه واجرا ازمتن منوط به اجازه کتبی نویسنده است وبا متخلفین طبق ایین نامه وقانون اداره فرهنگ وارشاد اسلامی برخورد خواهد شد»